

# پیام سندیکا

شماره ۳۶

سال چهارم / اسفند ماه ۱۳۹۳  
نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی  
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی  
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

# سرور پژوهش لورورستان



سندیکای کارگران  
نقاش و تزئینات

تأسیس: ۱۳۴۸



سندیکای کارگران بنا  
تأسیس: ۱۳۷۶



اتحادیه کار  
پروژه ای

## سريعام

### بيانيه ها:

از حقوق قانوني خود دفاع می کنيم ميلاد درويش، ادعى نامه اي برای حمايت از حقوق کارگران، جناب روحانی باز هم دست مزد اندکتر؟، آزادی بيان محدود شدنی نیست!، تحركات عناصر مشکوك را افشا کنيم، بيانيه ها کانون صنفي معلمان، کشتار حوادث کار و خواب خوش مسنولان

### گزارش کارگر فلزکار :

پارس جنوبي، ايران خودرو، شركت ملي حفاری، تجمع آموزگاران تهران، درخواست افزایش عادلانه دستمزد سال ۱۳۹۴ اتوبوسرااني، اعتصاب کارگران نی بر پيمانی و شركتی هفت تپه، مشاور عالي رئيس جمهور حق بيمه کارگران را...

### يادداشتهاي کارگري :

على اكير نظری: ساقیا آمدن عید، سر دلبران ... نبی معروفی: من اقتصاد دان نیستم ، طعنه تلخ! نرخ گوجه فرنگی، نقش طبقه کارگر ایران در پیروزی انقلاب، هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ، محمد جانجانيان سنديكاليست آگاه و انقلابی شجاع

### سنديكاهای خارجي:

اتحاديه سراسری معلمان بريتانيا: از حقوق معلمان ايران  
پیروزی زحمتکشان یونانی به کجا خواهد انجاميد؟  
حمايت سنديكای فلزکار مکانیک ایران از فلزکاران ترکيه

### زنان کارگر:

مارس روز بيداری و جدان تاريخ، روز جهانی زن گرامی باد!، اولين شهردار زن شهر بغداد، زنان کارگر؛  
کار = مردان مزد نامساوی مردان

# پيام سنديكا

ماهانمه خبری-تحليلى کارگري

پيام سنديكا

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران  
کاری از کارگران سندیکایی ایران  
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری  
در راستای تشكیل و آگاهی برای کارگران  
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک  
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرااني  
سندیکای کارگران نقاش و تزئینات  
سندیکای کارگران بنا  
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه  
اتحاديه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>  
[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)  
[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)  
[sfelezkar1961@gmail.com](mailto:sfelezkar1961@gmail.com)  
[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)  
[irunionmessenger@gmil.com](mailto:irunionmessenger@gmil.com)

## دراین شماره ۵:

# سروپیام

### پیانیه ها:

از حقوق قانونی خود دفاع می کنیم میلاد درویش، ادعا نامه ای برای حمایت از حقوق کارگران، جناب روحانی باز هم دست مزد انداخته؟، آزادی بیان محدود شدنی نیست!، تحرکات عناصر مشکوک را افشا کنیم، بیانیه‌ی کانون صنفی معلمان، کشتار حوادث کار و خواب خوش مسئولان

### گزارش کارگر فلزکار:

پارس جنوبی، ایران خودرو، شرکت ملی حفاری، تجمع آموزگاران تهران، درخواست افزایش عادلانه دستمزد سال ۱۳۹۴ اتوبوسرانی، اعتصاب کارگران نی بر پیمانی و شرکتی هفت تپه، مشاور عالی رئیس جمهور حق بیمه کارگران را...

### داداشهای کارگری:

علی اکبر نظری: ساقیا آمدن عید، سر دلبران... نبی معروفی: من اقتصاد دان نیستم ، طعنه تلخ! نرخ گوجه فرنگی، نقش طبقه کارگر ایران در پیروزی انقلاب، هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ، محمد جانجایان سندیکالیست آگاه و انقلابی شجاع

### سندیکاهای خارجی:

اتحادیه سراسری معلمان بریتانیا: از حقوق معلمان ایران  
پیروزی زحمتکشان یونانی به کجا خواهد انجامید؟  
حمایت سندیکای فلزکار مکانیک ایران از فلزکاران ترکیه

### زنان کارگره:

مارس روز بیداری و جدان تاریخ، روز جهانی زن گرامی باد!، اولین شهردار زن شهر بغداد، زنان کارگر؛  
کار = مردان مزد نامساوی مردان

## سر پیام

فرا رسیدن هنگام شادمانی های  
عید باستانی ایرانی و سنت دیرین  
نوروز بر یکایک هم میهنان ،  
زحمتکشان ، هم زبان و خوبانی که  
چشمانتان را به خواندن و دیدن این  
نوشتار رنجه فرمودید شاد باش  
عرض می کنیم. در سال پیش رو  
آرزومندیم رویای اتحاد زحمتکشان  
برای دستیابی به جامعه ای انسانی  
جامه عمل پوشد تا هیچ مرد و  
زن زحمت کش کارگر، پرستار  
وآموزگار در هیچ گوشه ای از دنیا  
پنجه در پنجه فقر نیافکند... کودکی  
در گوشه خیابان نمیرد ، کارگری در  
سفر کاری جان نباشد ، معلمی به  
دست شاگردانش کشته نشود، دکل  
بانی بالای دکل نسوزد و ...  
دوستان کارگر ! دستمزد هایی که  
امسال برایمان در نظر گرفته شد به  
اندازه پول تو جیبی یک روزه آقایان  
وآقازاده ها هم نیست. چگونه فکر  
می کنند که ما می توانیم با این  
دستمزد اندک زندگی کنیم؟ فقط از  
مغز هایی این فکر ها ترواش می کند

باز هفت سین سرور  
ماهی و تنگ بلور  
سکه و سبزه و آب  
نرگس و عطر گلاب  
باز هم شادی عید  
آرزوهای سپید  
باز لیلای بهار  
باز مجنونی بید  
باز گل مست غرور  
باز باران بهار  
باز اسفند و گلاب  
باز شیدایی ناب  
خنده و شوق و امید  
باز نوروز سعید

پول و سرمایه داری جهانی، جز این  
خواهد بود.

امسال می خواهیم نه تنها با شما کارگران ، بلکه با آقای حسن روحانی از جانب شما گفتگویی داشته باشیم.  
آقای روحانی ، برای ما کارگران امکان نداشت برایتان یک به یک پیام بفرستیم و می دانیم برای بسیاری از معلمان، پرستاران و رانندگان و معدنجیان هم این ممکن نمی شد، پس از این راه به شما می گوییم:

تا ما دیده ایم ، پست ریاست جمهوری همانند صندلی اتوبوس است که پس از چندی در ایستگاهی باید آن را ترک کرد. هر رئیس جمهوری که باید چندی بر این صندلی و آن ساختمان راهبری می کند و می رود و همه رفته‌گان ریاست جمهوری بی هیچ استثنای عدم مدیریت صحیح و حیف و میل و .... متهم شده اند. سوراخ‌خانه عملکرد روسای جمهور در کشورمان تاکنون چنین بوده است .

آقای روحانی شما به خوبی می دانید ریاست جمهوری و ریاست دولت می تواند دروازه حکومت بر قلبها باشد

که انسان را نه انسان بلکه ابزاری برای تولید می بینند.

ثروتی که از ما در پرونده های گوناگون پیدا و پنهان به یغما برده می شود به راستی اکربه نسبتی مساوی بین فرد فرد کارگران تقسیم میشود چه میزان در کاهش فقر، تبعیض، فحشا، جرایم و ایجاد امنیت می توانست مفید باشد؟ و چه اندازه عاقلانه می نمود اگر به جای آنکه چندین برابر مزد کارگران برای سرکوبی به چماق داران و زندانیان پرداخت شود، به موقع و به اندازه ، به خود کارگر بپردازند.

ارزنه تر آن که نوابع اقتصادی ایران به بیان ساده و با راست گویی برآورده حقیقی از حجم پول درگردش و اعتبار واقعی صندوق دولت داشته باشند و رقم درست خط فقر راستین را به عرضتان برسانند تا بدانیم تورم و خط فقر با چه نسبتی رشد می کنند. در سال ۹۳ حوادث شغلی ، اخراج و زندان و عقب افتادن حقوق کارگران نسبت به سال گذشته رشدی سرسام آور داشت. اجرای فرامین صندوق بین المللی

شوش تهران زندگی می کند یکسان است؟ آیا نباید خانواده هایمان از مزایایی که شما استفاده می کنید، استفاده کنند؟ و فرزندان ما، مدارسی همچون مدارس فرزندان شما داشته باشند؟ آموزه

های دینی سالهاست به ما آموخته اند که چگونه مدیران جامعه کیسه نان به دوش در دل تاریکی به مدد فقرا می رفتند و در سطحی همانند فقیرترین مردم کشور خود روزگار می گذرانند. شما چطور؟ آیا ین آموزه های دینی را شنیده اید و عمل می کنید؟ برای ما روشن کنید که

آنجا که هر ایرانی با دل و زبان به خدمات شما گواهی دهد چه باک از تهمت؟ مقامی چند روزه شمارا خوش تر می آید یا حکومتی چون، امیرکبیر، ماندلا و گاندی بر قلبها یک ملت؟ مطمئن باشد افکار عمومی یعنی مردم، کارگران، معلمان و پرستاران در کنار رانندگان، کارمندان و معدنچیان به مدد رسانه های جمعی شاهد و ناظر کارکردهای شما هستند و می فهمند... می پرسیم که پرسش جرم نیست... آیا خورد و خوراک و پوشش خانواده شما و آقای وزیرکار با خانواده یک کارگر و یا روستایی و یا خانواده ای در محله چرا یک کارگر ایران خودرو و یا

## محمد شفیع‌لوجه

(لایل ۱۹۶۵)

**محاذین، چلزان،**

**استالداران، چلای**

**مهلهن و مدیران کل**

**کهادت**

**این شفیعها**

**وقدر هزاره در بزدارد**

فرزندانمان را به جنگ نفرستادیم؟ یا شما در این ۳۶ سال به عوض تقسیم قدرت و ثروت با مردم عمل نکردید که چنین فاصله طبقاتی زیاد شد؟ می دانیم در سال آینده باز هم گرانی و بیکاری بر خانواده های ما از طریق سیاست های شما افزایش خواهد یافت و فعالان سندیکایی و اجتماعی را تحت فشار خواهید گذاشت. اما آنچه وظیفه انسانی ماست دفاع از حقوق کارگریمان است که همانا امنیت ملی ماست.

ما باز هم اعتصاب، تجمع خواهیم کرد و باز هم مامورین امنیتی شما چه در محل کار و چه در خانه به سراغمان خواهند آمد. باکی نیست.

بنگرید که امروز قضاوت مردمی بین عملکرد میرزا آقاخان نوری و امیر کبیر- دکتر محمد مصدق و شاه چگونه فرق می گذارد. تاریخ خواهد نوشت که هر کدام از ما چگونه به وظایف خود عمل کردیم و بی تردید نوادگان شما در پیش نوادگان مردم ایران سر بلند نخواهند بود.

. تحریریه پیام سندیکا

راننده اتوبوس باید با دستمزدی این چنین روزگار بگذراند ولی مدیران این شرکت ها با ثروت تولید شده همین کارگر در نوروز در دبی و ترکیه و اروپا خوش بگذراند؟ آیا این ، آن عدلی است که در قانون اساسی نوشته شده است؟ آقای روحانی ما نمی دانیم نوروز را شما و آقای ربیعی در کجا خواهید گذارانید اما پس از نوروز آماری بگیرید از مقصد سفر نوروزی وزیران، استانداران ، وکلای مجلس ، مدیران کل ، که نوروز کجا بودند و چه هزینه ای برای روزهای نوروز کرده اند؟ و این هزینه ها چند برابر دستمزد ماهانه یک کارگر است.

در روزهای نوروز به این فکر کنید که چه تعداد کارگر با سیاست های شما بیکار شده اند، چه تعداد ماههاست حقوق عقب افتاده اشان را نگرفته اند و چگونه شرمنده خانواده هایشان سر سفره هفت سین می نشینند؟ آیا عدالت این است؟ فکر کنید چرا فاصله طبقاتی پس از ۳۶ سال این چنین زیاد شده است؟ آیا ما به وظایف مان عمل ننمودیم و از امنیت ملی مان دفاع نمکردیم؟

۱۳۹۴ دستمزدی را تعیین نمایند که معيشت یک خانوار کارگری و بازنشستگان کارگری را تامین نماید.

کارگران و بازنشستگان حق خود می‌دانند برای پیشبرد این خواسته عادلانه و تامین رفاه و عدالت اجتماعی به آن وزارتخانه و سازمان تامین اجتماعی و دیگر مراکز مربوط مراجعه و خواسته و اعتراض خود را علیه بی‌عدالتی‌ها اعلام کنند

به نام آنکه دادگر است وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

باشلام  
بر پایه اصول جهانی حقوق بنیادین کار و حق چانه زنی کارگران در دفاع از حقوق شان و همچنین منشور حقوق شهروندی که رئیس جمهور و دولت یازدهم خود را وفادار به آن اعلام کرده داند و بنابراینکه آن وزارتخانه وظیفه ذاتی و فلسفه وجودیش صیانت و دفاع از حقوق کارگران شریف و زحمتکش و بازنشستگان گرامی تامین اجتماعی است.

ما جمعی از کارگران و بازنشستگان کارگری شرکت واحد طبق سنت

## درخواست افزایش عادلانه دستمزد سال ۱۳۹۴

از کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی  
تهران و حومه

به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

به آگاهی می‌رساند بنابر آمار اقتصادی و اعلام رسمی معاونت آن وزارتخانه در طی ده سال گذشته قدرت خرید کارگران متاسفانه به یک سوم کاهش یافته است.

بنابراین ما امضا کنندگان این نامه همفریاد با میلیون‌ها کارگر ایران با محکوم کردن این تخلف و روند ناعادلانه ضدکارگری، آنچنان که متخلفانی مانند سعید مرتضوی رئیس سابق سازمان تامین اجتماعی و محمد رضا رحیمی معاون رئیس جمهوری پیشین و نظایر دیگر توسط قوه قضائیه محاکمه و محکوم به مجازات زندان شدند خواستار محکمه و مجازات مدیران و مسئولان مختلف این بی‌عدالتی‌های ضدانسانی هستیم. و از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌خواهیم به فریاد دادخواهانه کارگران گوش سپرده و برابر ماده ۴ قانونکار برای سال

مشت از خروار فریاد دادخواهی میلیونها کارگر به ضمیمه ارائه می نماییم.  
باشد که طبق ماده ۴۱ قانونکار، حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۴ تامین کننده زندگی شایسته انسانی خانوار کارگری و بازنشستگان و افزایش قدرت خرید آنها در سال آینده باشد.

بديهي است پيگيري حضوري کارگران و بازنشستگان را در دفاع از عدالت اجتماعي و دستمزد عادلانه حق مسلم خود مي دانيم. اميدواريم مقام وزارت و سوراي عالي کار فرياد عدالت خواهی کارگران و بازنشستگان را شنide و به آن رسيدگي و ترتيب اثر بدنه. زندگي شایسته با مزدي عادلانه حق مسلم ماست  
رونوشت:

**دولت برابر**

**۱۵۱۵ قانون**

**کار برابر سال**

**۱۳۹۴**

**معيشت يك**

**خانوار کارکري**

**و بارئيشتگان را**

**ارزياي و حقوق**

**معين گند**

سالیان گذشته درخواست امضا شده بيش از هزار تن از کارگران شركت واحد مبني بر افزایش عادلانه دستمزد سال ۱۳۹۴ بعنوان نمونه

داران و کارفرمایان سازماندهی شده و شریک در قدرت ندارند و هر جمع چند نفره، حتی صنفی، با هزار و یک شیوه زیر شدید ترین فشار های امنیتی قرار می گیرند، با چه ابزاری می توانیم هجوم کارفرمایان را نسبت به حقوقمان به دفاع برخیزیم. از این رو خطاب به همه ای زحمتکشان و همه آنان که به هر دلیل برای اعتلای این سرزمین به پارامترهایی غیر از حقوق کار می اندیشنند اعلام می کنیم که دست های سازنده ای صنعت پایه در این سرزمین به سوی شما دراز شده و از شما یاری می جوید.

پس از سال ها تلاش بی وقفه برای احراق حقوق کارگران پروژه ای، توسط فعالان کارگری و کارگران فعال در پروژه ها، متاسفانه حتی در انتقال منطق این حق به مسوولان وزارت کار نتوانسته ایم موفق شویم. از همین رو به ناچار ریز ساعات کار کارگران پروژه ای و تفاوت آن با کار سایر افشار مزد بگیر و بی توجهی مسوولان به حقوق کار این زحمتکشان را به صورت داد نامه ای تنظیم کرده ایم و امیدواریم لااقل مورد توجه حق جویان و مدعیان

# ادعا نامه ای برای حمایت از حقوق کارگران

به طور عام و کارگران

پروژه ای به طور خاص

به نقل از سایت کانون متعدد کارگری  
[Kmkoomak.wordpress.c](http://Kmkoomak.wordpress.com)

[om](http://Kmkoomak.wordpress.com)

در شرایطی که زندگی شهری بویژه در کلانشهرها با دستمزدهای رایج فقط بخشی از هزینه ها را پاسخ می دهد و کارگران و سایر زحمتکشان برای گذران زندگی و معیشت خانواده، ناگزیر از یافتن کار دوم می شوند، ما کارگران پروژه ای که تمام وقت خود را در کار و محیط کار سپری می کنیم با چه ترفندی می توانیم از هفت خوان هزینه های زندگی خانواده برآییم. در شرایطی که کارگران هیچ امکانی برای سازماندهی خود در مقابل سرمایه

ساعت موظف یک مزد بگیر در شرایط معمولی در یک سال  $۱۴*۱۷۶ = ۲۱۱۲$  ساعت. تعطیلات رسمی باید کسر شود.

ساعات کاری کارگر پروژه ای در ۲۰ سال  $۴۴۸۰۰ = ۲۰*۳۲۴۰$  ساعت کاری، بدون محاسبه تعطیلات رسمی.

یک مزد بگیر در شرایط عادی در ۳۰ سال  $۶۳۳۶۰ = ۳۰*۲۱۱۲$  ساعت کاری، تعطیلات رسمی باید کسر شود.

تفاوت: یک کارگر پروژه ای با ۲۰ سال کارکرد مقدار  $۱۴۴۰$  ساعت اضافه کاری نسبت به ۳۰ سال کارکرد یک مزد بگیر عادی انجام داده است که بیش از ۸ ماه کار کرد یک مزد بگیر عادی است.

به طور متوسط ۲۰ روز در سال به جز روزهای جمعه و عاشورا تعطیلات رسمی داریم که کارگران پروژه ای نمی توانند از آن استفاده کنند.

$۱۴*۲۰$  ساعت =  $۲۴۰$  ساعت کاری

$۲۴۰$  ساعت کاری در ۲۰ سال  $= ۴۸۰۰$

به عبارت دیگر

حق قرار گیرد و در این میان آنانی که در صاحبان قدرت اندک نفوذی دارند، از این نفوذ بهره برده و لااقل در تنظیم قوانین و مقرراتی در جهت تسهیل دریافت این حقوق یاری مان کنند.

زمان کار یک ماهه یک کارگر پروژه ای با توجه به عدم امکان استفاده از تعطیلات رسمی و نیز ۶ ساعت کار در روزهای جمعه، ۲۴ روز کار در ماه و زندگی در خوابگاه های کارگری و تنها ۶ روز امکان مرخصی رفتن و دیدن خانواده.

۲۴ روز با روزانه ۱۲ ساعت کار با احتساب کسر ۳ روز ۶ ساعتهای جمعه ها  $(۱۸ - ۲۴*۱۲) = ۲۷۰$  ساعت در ماه.

کار یک مزد بگیر در شرایط معمولی عبارت است از  $۱۷۶$  ساعت کار موظف در ماه به شرطی که غیر از جمعه تعطیل نباشند.

کار یک کارگر پروژه ای در هر سال  $۳۲۴۰ = ۱۴*۲۷۰$  ساعت. بدون محاسبه مزایای کار در تعطیلات رسمی.

با مقررات زدایی از قانون کار به آنها به چشم یک بردۀ نگاه می‌کند. متاسفانه صاحبان قدرت تا کنون نه فقط نسبت به این دادخواهی ما بی توجه بوده اند بلکه حتی با تصویب و اجرای قوانینی مثل (مقررات مناطق ویژه آزاد تجاری- اقتصادی) حداقل های حمایتی قانون کار را هم از کارگران پرتویه ای دریغ کرده اند.

اتحادیه نیروی کار پرتویه ای این دادنامه را به همراه مطالبات مکتوب و امضا شده‌ی کارگران، ناچار به تنها نماینده‌ی ای (محجوب) که ادعای دفاع از حقوق کارگران را در مجلس مقننه دارد تحويل داد، تا پیگیر حقوق از دست رفته‌ی کارگران باشد و صحت ادعای خود را به کارگران اثبات کند.

امضای بیش از ۵۰۰۰ کارگر پرتویه ای پیوست می‌باشد.

اتحادیه نیروی کار پرتویه ای ایران  
۹۳ بهمن ماه ۲۱

$۴۸۰۰ + ۱۴۴۰ = ۶۲۴۰$  ساعت که معادل ۳ سال کار مزد بگیر عادی است. حال اگر این اضافه کاری با محاسبه  $۴۰ \times ۶۲۴۰ = ۲۴۹۶۰$  درصد حق اضافه کاری مصوب قانون کار محاسبه شود به  $= ۸۷۳۶$  ساعت کار می‌رسیم که بیش از ۴ سال کار یک مزد بگیر عادی ست یعنی یک کارگر پرتویه ای در طول ۲۰ سال، معادل  $۳۴$  سال مزد بگیر عادی کار می‌کند.

کارگر پرتویه ای با روزی ۴ ساعت اضافه کاری اجباری که بر خلاف مفاد قانون کار است و انجام کار در خارج از شهرها و عدم وجود شرایط ایمنی کار و با وجود سختی کار و شیوه‌ی کار که کاری است اردوگاهی و می‌باید لااقل به مدت ۲۴ روز بدون دیدار با خانواده در خوابگاه‌های کارگری به سر بردا و بدون استفاده از مزایای کار اقماری که در همه‌ی دنیا مرسوم است (دو هفته کار و دو هفته استراحت) و هم اینک در فلات قاره شرکت نفت و شرکت‌های حفاری کاربردی می‌گردد). کار می‌کند، ولی وزارت کار و تامین اجتماعی از حقوق قانونی کارگران پرتویه ای حمایت نمی‌کند و در عمل

را فیصله دادند. در این طبقه بندی مشاغل کسانی که از طرف کارگران نماینده برای اجرا نمودن طبقه بندی بودند از طرف کارگران انتخاب نشده بودند، بلکه همگی از کادر اداری و مهندسین گوش بفرمان شرکت بودند. با اجرای طبقه بندی قلابی حقوق و مزایای خوبی برای خود درست کردند. حتا در بسیاری اوقات با جابجایی کارگری که در گروه ۱۲ بود به گروه ۱۰ باعث کم شدن دریافتی کارگران شدند. بسیاری از کارگران مانند استادان جوشکار از گروه پایه‌ی خود محروم شده و در این طبقه بندی قلابی شان، گروه پایه‌ها به افراد گوش به فرمان مدیریت داده شده است. با آمدن شب عید شرکت هفت تپه در بحران به سر می‌برد.

روابط عمومی سندیکای کارگران  
فلزکار مکانیکی ۱۳۹۳/۱۲/۱۳

گزارش از هفت تپه:

## اعتراض کارگران نی

### بر پیمانی و شرکتی

۱۵۰۰ کارگر نی بر سیاه که کارگران پیمانی و شرکتی نیشکر هفت تپه می‌باشند، مدت یک هفته است به دلیل پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده ۲ ماهه خود در اعتراض به سرمهی برنده. کارگران نی بر پیمانی و شرکتی طبق روال شرکت هر ۱۵ روز باید تسویه حساب بشوند. همچنین باید طبق مصوبه دولت که به اولاد سوم به بعد حق اولاد پرداخت شود متاسفانه در شرکت هفت تپه نه به پرسنل اداری خود شرکت و نه به کارگران نی بر پرداخت نمی‌شود که این دزدی آشکار از حقوق کارگران است.

با توجه به اعتراض ماه قبل و تلاش سندیکای کارگران هفت تپه از سال ۸۶ تا ۸۸ برای اجرایی شدن طبقه بندی مشاغل در شرکت نیشکر هفت تپه متاسفانه قول‌های مدیریت شرکت بعد از اعتراض مبنی بر تجدید نظر در طبقه بندی مشاغل اجرا شده، نه تنها به سود کارگران نبود بلکه تنها با اضافه کردن سال‌های کارگران به مقدار هر سال ۴۵۰ تومان قضیه

گوشت و برنج و روغن را دیگر نمی‌گوییم.

در هفته گذشته ۴۰۰ کارگر قند ورامین بیکار شدند، درهای کارخانه به روی ۱۰۰۰ کارگر لوله و نورد صفائی ساوه پسته شد، ۴۰۰ کارگر مبیدی کاشی ارجین را می‌خواهند به مرخصی اجباری بفرستند. این یعنی

۱۸۰۰

کارگر در هفته گذشته بیکار شده اند و بازهم بیکاری دیگر



کارگران در راه است.

آیا این بیکار گردانی پیام مشخص آقای روحانی را تکمیل نمی‌کند که همین افزایش دستمزد اندک را بپذیرید و دم نزنید؟

## جناب روحانی

باز هم دست هزد

اندکتر؟

زمزمه هایی شنیده می‌شود مبنی بر اینکه در گفتگوهای بین نمایندگان به اصطلاح کارگری و کارفرمایی و دولت، رقم پیشنهادی کارفرمایان و دولت آن چنان پایین است که حتی نمایندگان به اصطلاح کارگری هم جرات بیان کردنش را

ندازند. در آخرین اظهار نظر آقای روحانی که گفته بود تورم را در اسفند به رقم ۹ خواهد رساند، شاید پیامی بود که امروز قرار است توسط این شورا پیگیری و مصوب شود.

امسال فقط نان ۳۰ درصد، کرایه اتوبوس ها ۱۰۰۰ درصد و کرایه مترو ۶۰ درصد و اجاره خانه بیش از ۱۰۰۰ درصد گران شده است وضعیت

عسلویه و رسیدگی به خواسته های آنها در مراسم پرزرق و برق برج میلاد حاضر شده و سخنرانی های شیرین سرمی دهد. گزارش تلخ افزایش کشتار کارگران در حوادث ناشی از کار منتشر می شود و از مسئولان عالی رتبه تا دون پایه کسی خم به ابرو نمی آورند.

در هیاهو و جنجال گوش خراش گسترش خصوصی سازی ضد کارگری و حمایت از مقررات زدایی علیه کارگران تا گسترش فساد اقتصادی در مقامات، چیزی که توجه هیچ مسئولی را جلب نکرد و برایش سمینار و همایش و کنفرانس و جلسه برگزار نشد همانا کشتار و فجایع روز افزون سوانح وحوادث ناشی از کار بوده و می باشد. کشتار و مجروح و مصدوم شدن کارگران مدت زمان زیادی است از مرز هشدار گذشته است و وزارت عریض و طویل کار که فلسفه وجودی اش مدیون طبقه کارگر و زحمتکشان بوده و وظیفه اصلی اش دفاع از حق و حقوق کارگران به ویژه اینمی کار و جسم و جان آنان می باشد در این

## کشتار حوادث کار



۹

## خواب خوش مسئولان

بهمن ۱۳۹۳

درست در روزهایی که به مناسب سالگرد انقلاب در رسانه های گوناگون از اعتصابات تعیین کننده کارگران به ویژه کارگران پالایشگاه های نفت در پیروزی انقلاب سخن گفته می شود و جناب وزیر کار فارغ البال و بی خیال از قربانی شدن پی در پی کارگران در حوادث ناشی از کار و دیگر گرفتاری ها و مشکلات جان کاه کارگران به جای حضور در مراکز کارگری از جمله منطقه مظلوم

باره به کلی وظیفه کاری خود را بصورت گستردۀ در رسانه های فراموش کرده و به منظور رفاه حال کارفرمایان متقلب و متخلف دست از پا خطا نمی کنند! فاجعه مرگ دلخراش شش تن از کارگران عسلویه در تصادف اتوبوس فرسوده و معیوب و غیراستاندارد یکبار دیگر نشان داد که جان کارگران برای مسئولان مربوط اهمیت و ارزش چندانی نداشته و ندارد.

مرگ کسانی در بیرون از  
مرزهای کشور بصورت  
گستردۀ در رسانه های  
همه و مسئولان از  
کیار است، اما مرگ  
سالانه بیش از ۱۰۰۰  
موادث ناشی از کار  
کوچکترین ناسفی را  
بلمه، انکناده!

آنکه شبانه روز حرکات حق طباته کارگران رارد یابی و به سرعت برای آنان پرونده سازی می کنند، بدانند که انها هم در این

چگونه می شود مرگ کسانی در بیرون از مرزهای کشور

می توانند بهتر از حقوق خود دفاع کنند. در این زمینه از برادران گوناگون بگیر و ببند درخواست می شود چوب لای چرخ حق طلبی کارگران

نگذاشته و به آنها فرصت دفاع از حقوق خود بدند که بزرگان گفته اند «حق گرفتنی است» و «چراغی

فجایع شریک جرم اصلی هستند. چرا که از فریاد دادخواهی کارگران جلوگیری کرده و صحنه اجتماعی را پیکسیویه علیه حقوق و منافع کارگران ستمدیده سامان

دهی می کند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی بعنوان یک سازمان کارگری در راستای همبستگی انسانی و طبقاتی مرگ دلخراش شش تن از کارگران از حمتکش منطقه

## مرگ دلخراش شش تن از کارگران زحمتکش منطقه علویه را به خانواده و بستگان و عموم کارگران و مردم آزاده ایمان صمیمانه تسلیت می گوییم

علویه را به خانواده و بستگان و راکه ایزد بر فروزد عموم کارگران و مردم آزاده ایران صمیمانه تسلیت می گوید و ضمن محکوم کردن مسئولان مربوط، بار دیگر از مقامات عالیه می خواهد به این روند مرگ آفرینی، برای کارگران پایان دهد. اما تجربه روزگاران به کارگران آموخته و می آموزد که آنان فقط و فقط با ایجاد سازمان های مستقل سندیکایی کارگری است که

هر آن کس پف کند ریشش بسوزد!»

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بهمن ماه ۱۳۹۳

**gas train 3** نگردند . گس ترین ۴ ناحیه کار این شرکت هست که اهمیت زیادی دارد. پارسال هم درست در اواسط بهمن اعتصاب مشابهی رخ داد ، گمان بر این است که این اعتصابات از بالا هدایت می شود تا پیمانکار قبل از سال از کارفرما شرکت (oiec) و شرکت ملی گاز پارس جنوبی معوقات خود را دریافت کند. قرارداد ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر با شرکت تا پایان سال تمام می شود و شرکت هر روز در حال کم کردن نیروها می باشد.

## گزارش کارگر فلزکار



### از پارس جنوبی:

روابط عمومی سندیکای کارگران  
فلزکار مکانیک

کارگران یکی از پیمانکارهای فاز ۱۷ و ۱۸ به نام شرکت مهندسی و ساختمانی تناب از ۳ روز پیش دست به اعتصاب زدند. این کارگران حقوق آبان ماه را هنوز دریافت

باشد ، که در حال حاضر کل فاز های ۲۰ و ۲۱ و بخش مهمی از فاز های ۱۸ و ۱۷ را در دست دارد. بعد از تجمع کارگران شعارگویان به

سمت محل پروژه بازگشتند و همچنان در اعتراض هستند.

**بخش دیگر پالایشگاه در دست شرکت دولتی idro**

می باشد که ، بخش یوتیلیتی پالایشگاه را در دست ساخت دارد .

کارگران پیمانکاری های این بخش نیز چند روز پیش به اعتضاب خود پایان دادند.

**روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک**



## آخرین اخبار:

امروز تمامی کارگران شرکت های پیمانکاری ساخت بخش فرآیند پالایشگاه فاز های ۱۸ و ۱۷ پارس جنوبی در اعتضاب بودند . ساعتی قبل حدود ۷۰۰ کارگر شرکت های پیمانکار (جهان پارس ، تناوب و محور سازان) مقابل سایت اداری شرکت کارفرما(oiec) شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت تجمع نموده و ۴ ماه حقوق عقب افتاده ای خود را طلب نمودند . در پی این اعتضاب کارفرما قول داد تا شنبه حقوق ها واریز شود.

Oiec یکی از شرکت های صندوق بازنشستگان صنعت نفت می

افزوده که ، کارگران ایران خودرو در کارت‌های خود مبلغ ۶۰ هزار تومان را دریافت کرده‌اند.

مدیریت در این اقدام تلاش دارد تا موضوع افزایش پایه حقوق را تا آخر امسال مسکوت بگذارد ، هر چند لیست اسمی نمایندگان انتخابی کارگران سالن‌ها و شیفت‌های کاری ایران خودرو به مدیریت اعلام شده ، اما هنوز هیچ نشستی از طرف مدیریت با این نمایندگان انتخابی گذاشته نشده است.

برخی شواهد حاکی از آن است که برخی از نمایندگان کارگری با مدیریت دیدار داشته‌اند ولی هیچ نماینده کارگری این خبر را تایید نمی‌کند.

**روابط عمومی سندیکای  
کارگران فلزکار مکانیک**

۹۳ بهمن ۱۴



## گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو:

با خاتمه موقت اعتصاب دی ماه کارگران در مورد افزایش حقوق ، مدیریت با اعلام اینکه می‌خواهد طبقه پندی مشاغل را اجرا کند از همه سالن‌ها خواست که از هر

با تمام شدن مهلت داده شده به مدیریت در ۱۵ بهمن در رابطه با اعتضاب غذای اخیر و اعلام خواسته‌های کارگران به مدیریت ایران خودرو در خصوص کم بودن مبلغ دریافتی کارگران ، مدیریت ایران خودرو در اولین اقدام روز چهارشنبه مبلغ ۳۰٪ به آکورد کارگران

کارگران برای آنکه سرشان کلاه نرود از مدتی قبل قانون کار قسمت طبقه بندی مشاغل را می خوانند. امیدواریم بتوانیم با گرفتن دفتری با همکری دیگر کارگران خواسته های بالا را به انجام برسانیم.



۱۳۹۳/۱۱/۹

شیفت هر سالن ، یک نفر به نمایندگی از طرف کارگران معرفی شوند تا موضوع طبقه بندی مشاغل صورت بگیرد. به همین خاطر از طرف کارگران بخصوص مونتاژ ۱ و مونتاژ ۲ ، سالن ال ۹۰ ، سالن وانت، ۴ سالن رنگ ، تعمیرات ، انبار .... کارگرانی انتخاب شده و به مدیریت معرفی شده اند تا در ۱۵ بهمن ماه با مدیریت مذاکره کنند. در هفته گذشته مدیریت ایران خودرو بیشتر کارگران شرکت های پیمانکار را به قراردادی تغییر وضعیت داد. قرار است خواسته های زیر در مذاکره با مدیریت مطرح شود:

- ۱- افزایش حقوق ۳۵ درصدی غیر از افزایش حداقل حقوق هر ساله
- ۲- کلیه کارگران شرکت های پیمانکاری تغییر وضعیت یافته به قراردادی تبدیل بشوند
- ۳- طبقه بندی مشاغل در کلیه قسمت های ایران خودرو اجرایی شود.
- ۴- شوراهای کارگری در قسمت های مختلف ایران خودرو تشکیل شود
- ۵- پرداخت پاداش عقب افتاده

گرفتن تریلی ، تصادف کرده و کشته شد.

امروز یکی از کارمندان بخش اداری این چندمین بار است که ماشین هایی که کالا به شرکت می آورند باعث کشته شدن

کارگران می شوند.  
سه سال قبل هم کامیونی که برای شرکت بار آورده بود به دلیل خواب آلودگی راننده با سرویس کارگران برخورد کرد و چند نفر از کارگران کشته شدند.

روابط عمومی  
سندیکای کارگران  
فلز کار مکانیک  
۱۳۹۳/۱۱/۲۳



Photo: Archiv

Iranian Labour News Agency

ایران خودرو هنگام طی کردن عرض محوطه شرکت ایران خودرو ، با یکی از تریلی هایی که برای شرکت بار آورده بود ، به دلیل دنده عقب

هم اکنون آنچه که تامین اجتماعی تحت عنوان بیمه از ساخت و سازها می‌گیرد، بیشتر شبیه پول زور است تا حق بیمه برای این کارگران.



# مشاور عالی رئیس جمهور حق بیمه کارگران ساختمانی را «پول زور» خواهد

۱۳۹۳-۹-۰۵-۰۵:۱۰

کد خبر: ۲۲۷۷۵۷

سرویس: کارگری

«اکبر ترکان» هم اکنون آنچه که تامین اجتماعی تحت عنوان بیمه از ساخت و سازها می‌گیرد، بیشتر شبیه پول زور است تا حق بیمه برای این کارگران/ در استان‌های کوچک برای کاهش این معضل برای سازندگان مسکن، باید با پیگیری و دخالت استانداران پرداخت حق بیمه اقساطی شود.

اکبر ترکان مشاور عالی رئیس جمهوری بیمه کارگران ساختمانی را علت اصلی بیکاری این کارگران دانست و گفت:

## گزارش کارگر فلزکار

### از شرکت ملی

#### حفاری:

به دلیل تحریم هایی که از طرف کشورهای سرمایه داری نسبت به صنعت کشور ما اعمال می شود ، تاکنون شرکت ملی حفاری نتوانسته است ادوات لازم برای کاربری تکنیک حفاری افقی را خریداری کرده و در حوزه مشترک نفتی پارس جنوبی باحضور ایران، امارات و قطر نصب کند .

به همین دلیل برداشت ایران از حوزه نفتی مشترک پارس جنوبی متوقف شده و امارات و قطر با بکار گیری به موقع این تکنیک وارداتی که انحصار آن در اختیار شرکت های امریکایی است به خوبی از فرصت پیش آمده بی حضور رقیب ایرانی از منابع پارس جنوبی تا میانگین شش میلیون بشکه در روز برداشت می نمایند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیکی

۱۳۹۳/۱۱/۲۳

کمیته تأمین همکاری ملی

کارگران فلزکار  
۶ آبان

معلمان ایران  
دفاع کنیم» توسط  
مسوولان بخش  
روابط بینالمللی

این اتحادیه، برای این دومقام  
جمهوری اسلامی فرستاده شده  
است. در متن این ایمیل آمده است:  
«به پیوست، بیانیه‌ی اتحادیه‌ی  
سراسری معلمان بریتانیا و پیام  
همبستگی و پشتیبانی از حقوق  
معلمان ایران را برای شما ارسال  
می‌کنیم.»



**NUT**  
**NUT**

## اتحادیه سراسری

# معلمان بریتانیا: از حقوق معلمان ایران دفاع کنیم

روز پنجشنبه گذشته، ۲۳ بهمن ۹۳،  
اتحادیه سراسری معلمان بریتانیا  
(NUT) نامه‌ای به حسن روحانی،  
رئیس جمهور ایران، و علی خامنه‌ای،  
ولی فقیه ایران، فرستاد. این اتحادیه  
که با «کمیته دفاع از حقوق مردم  
ایران»، (کودیر)، ارتباط دارد و  
عضویت رسمی این کارزار معتبر  
بین المللی را قبول کرده است، در  
پاسخ به فراخوان «کودیر» در اوایل  
بهمن ماه (۲۵ روز ژانویه) در رابطه  
با اعتصاب دو روزه معلمان ایران  
حمایت خود از فعالیت‌های سندیکایی  
معلمان ایران در دفاع از حقوق حقه  
شان را اعلام کرد. نامه ضمیمه که  
امضای کریستین بلویر، دبیرکل این  
اتحادیه در پای آن آمده است، طی  
یک ایمیل با عنوان «از حقوق



**Statement from the National Union of Teachers**

**Defend the rights of teachers in Iran**

The National Union of Teachers (NUT) exists to stand up for teachers. We believe that the teaching profession must have: remuneration that is commensurate with the importance of the profession; good conditions of work; and professional autonomy. Attracting and retaining teachers, who in turn are accountable to their pupils, can only be achieved in a world that values the profession.

Today in Iran teachers are faced with threats against their pay and pay progression. They are faced with difficult working conditions, job insecurity and privatisation in education. Furthermore, there is little room for dissent and trade unions voices are silenced.

Nonetheless we stand in solidarity with the teachers of Iran.

As part of our current campaign 'Stand up for education,' the NUT believes that the role of teachers should be valued – both nationally and internationally.

In solidarity

CHRISTINE BLOWER  
NUT General Secretary

این حرفه باشد؛ شرایط کاری خوب و مناسب؛ و استقلال حرفه‌یی. جذب معلمان و نگه داشتن آنها، که در جای خود در برابر شاگردان مسؤولند، فقط در دنیایی امکان‌پذیر است که برای این حرفه ارزش قابل شود. امروزه در ایران معلمان در

متن کامل این بیانیه چنین است:  
از حقوق معلمان در ایران دفاع کنیم!  
اتحادیه‌ی سراسری معلمان بریتانیا (NUT) دفاع از معلمان را وظیفه خود می‌داند. به اعتقاد ما، حرفه‌ی معلمی باید از این حقوق برخوردار باشد: دستمزدی که متناسب با اهمیت

با همبستگی، کریستین بلویر  
 دبیرکل اتحادیه  
 ای سراسری  
 معلمان  
 بریتانیا  
 (NUT)  
 روابط عمومی  
 سندیکای  
 کارگران  
 فلزکار مکانیک  
 ۱۳۹۳ بهمن ۲۹

عرض تهدیدهایی از قبیل نپرداختن  
 دستمزد و عدم  
 ارتقای شغلی  
 قرار دارند. آنها  
 در شرایط کاری  
 دشوار، نبود  
 امنیت شغلی و  
 خصوصیسازی  
 آموزش انجام  
 وظیفه می‌کنند.  
 گذشته از این، در  
 عمل، جای زیادی  
 برای دگراندیشی  
 نیست و صدای  
 سازمان‌های  
 صنفی را خفه  
 می‌کنند. به رغم

همه‌ی اینها، ما با معلمان ایران  
 ابراز همبستگی می‌کنیم.  
 اتحادیه‌ی سراسری معلمان بریتانیا  
 اعتقاد دارد که در کارزار جاری ما  
 زیر عنوان «دفاع از آموزش»، به  
 نقش معلمان باید ارزش گذاشته  
 شود، چه در سطح ملی و چه در  
 سطح بین‌المللی.



کانون صنفی معلمان ایران ، از روز ۱۳۹۳/۱۲/۰۵ سایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک توسط کارگروه مصادیق مجرمانه فیلتر شد و از دسترسی آزاد کارگران ایران به این سایت، خارج گردیده است.

ما این رفتار غیرقانونی را محکوم کرده و اعلام می کنیم که این گونه رفتار جز مخدوش کردن چهره

# آزادی بیان محدود شدنی نیست!



## در پی حمایت سندیکای کارگران

فلزکارمکانیک از تجمع اعتراضی ۱۰ فرهنگی و سیاسی کشور عزیzman اسفند آموزگاران زحمتکش و پشتیبانی ایران در جهان پیامد دیگری ندارد. در از خواسته های مندرج در بیانیه کانون روزگار دسترسی آزاد و آسان و صنفی معلمان ایران و همچنین پیشرفت علم اطلاع رسانی ، آزادی اعتراض به فیلتر شدن سایت رسمی بیان محدود شدنی نیست. اعتراض به

**دھ سال  
است کہ با  
تمام وجود  
برای اتحاد  
بین کارگران  
می کوشیم  
و از نہال  
این اتحاد  
همچون  
مردمک  
چشم  
پاسداری  
می کنیم.**

محدود شدن حقوق قانونی و انسانی، حق همه شهروندان ایرانی است و اصل ۲۷ قانون اساسی تجمع، اعتصاب و راهپیمایی را حق همه مردم ایران دانسته است. اصل نهم قانون اساسی نیز تأکید کرده است که:

«هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات ، سلب کند.»

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ضمن حمایت دوباره از خواسته های آموزگاران و کانون صنفی معلمان ایران ، خود را جدا از این زحمتکشان ندانسته و با آنان اتحادی ناگسستنی دارد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۱۳۹۳/۱۲/۰۷

گفتند که میلاد امروز (چهارشنبه) آزاد خواهد شد. دوستان و خانواده میلاد در عین ناباوری با تماس تلفنی او روبرو شدند که اعلام کرد ، به زندان اوین منتقل شده است . آنچه نگرانی نزدیکان او را را در پی دارد موضوع گیاهخوار بودن ایشان است ، در دوستگیری



قبلی او در سال گذشته میلاد در طی روزهای بازداشت فقط آب مصرف کرده بود. ما ضمن تاکید بر حفظ سلامتی او نگرانی خود را از بازداشت طولانی مدتش اعلام می داریم. مسئولیت به خطر افتادن سلامتی میلاد درویش به عهده بازداشت کنندگان می باشد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۱۳۹۳/۱۲/۱۴

## حقوق قانونی خود

### دفاع می کنیم

### میلاد درویش را آزاد کنید

مطلع شدیم ، " میلاد درویش " پس از دستگیری به زندان گوهردشت (کرج) منتقل شده و در بند ۴ سالن ۱۲ زندانی است. ما همچنان به آزادی بی قید و شرط او و آزادی تجمع و اعتصاب تاکید می کنیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

با تلاش خانواده میلاد درویش برای آزادی او متاسفانه در شب گذشته آزاد نشد. روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ماه خانواده میلاد درویش اسناد خواسته شده جهت آزادی او به قید کفالت را به دادگاه مقدس در زندان اوین ارائه داده و مسئولین به آنها

ای از اعضای سندیکای کارگران  
فلزکار مکانیک بدون اطلاع آنان  
در زیر نامه آمده  
بود.

نویسنده‌گان این  
اطلاعیه مشکوک  
در اعلامیه بگونه  
ای اوضاع سندیکا  
را تشریح کرده  
بودند که سندیکا در  
حال نابودی است.  
دومین حرکت در  
دیماه شکل گرفت  
که گروهی اقدام به  
انتشار بیانیه ای  
کذب نموده و نام  
سندیکای کارگران  
هفت تپه را نیز در  
اول بیانیه جعلی  
گذاشته بودند. که با

هشیاری سندیکای کارگران هفت  
تلخکار مکانیک آغاز شد و  
فلزکار مکانیک دستان این  
عناصر مشکوک برای کارگران

## تحرکات عناصر مشکوک

### را افشا کنیم!

مدتی است جریانی  
به راه افتاده تا از  
اعتبار تشکل های  
مستقل برای نیات  
شوم خود استفاده  
کنند لذا با دادن  
بیانیه هایی و  
نهادن نام  
سندیکاهای  
کارگری در زیر آن  
از کارگران و  
زحمتکشان می  
خواهند که به این  
حرکات کودکانه  
بپیوندند.

اولین حرکت در  
رابطه با سندیکای کارگران  
فلزکار مکانیک آغاز شد و  
اطلاعیه ای مشکوک در  
مردادماه انتشار یافت که نام عده

نویسنده‌گان این  
اطلاعیه  
مشکوک در  
اعلامیه بگونه  
ای اوضاع  
سندیکا را  
تشدیه گردید  
بودند که  
سندیکا در حال  
نابودی است.

تشکلها بازی دو سویه آغاز شده است.

ما ضمن تقبیح حرکات مشکوک عناصری که می خواهند سندیکاهای کارگری و تشکل های مستقل را به حاشیه بکشانند ، همه فعالین و سندیکاهای کارگری را به هوشیاری در این ماه آخر سال که روزهای تعیین دستمزد برای کارگران است را به هوشیاری فرامی خوانیم.

همچنین از خواسته کانون صنفی معلمان ایران در اعتراض به مشکلات موجود در آموزش و پرورش و تجمع ۱۰ اسفند ماه آنان حمایت قاطع خود را اعلام می کنیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیکی

سندیکای کارگران نقاشان

استان البرز

۱۳۹۳/۱۱/۲۸

و فعالین کارگری رو شد. اقدامی دیگر در هفته گذشته به وقوع پیوست که یک رسانه خارجی با مصاحبه با فردی که از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه کنار گذاشته شده بودند ، وانمود کردند که نبض جنبش کارگری در دستان این فرد است. متاسفانه مطلع شدیم که همین حرکت های مشکوک در مورد کانون صنفی معلمان ایران نیز انجام گرفته است.

با قدرتمندی سندیکاهای کارگری در میان کارگران و همچنین کانون صنفی معلمان در میان آموزگاران ، تلاش برای سواستفاده از نام و اعتبار این تشکل ها برای مقاصد کودکانه جمعی افراد بی نام و نشان و همچنین برای تحریک پلیس سیاسی برای ضربه زدن به این

های گوناگونی را برانگیخت، این شببه را مسلم نمود که پاره ای افراد یا گروه های مطرود در میان معلمان با توصل به این ترفند قصد به چالش کشاندن کانون و یا بهره برداری نامشروع از وجهه‌ی مردمی آن را دارند. لذا کانون صنفی معلمان ایران(تهران) لازم دید مواضع خود را در قالب یک بیانیه رسمی اعلام نماید.

۱- کانون صنفی معلمان اعلام می دارد این تشكل به عنوان یک نهاد مدنی متعهد به فعالیت قانونی و علنی هیچگاه بیانیه و یا نامه‌ی مخفیانه ای را صادر ننموده و نخواهد نمود. مواضع این تشكل همواره به صورت شفاف و علنی از طریق مباری رسمی مانند سایت کانون، خبرگزاری ها و نشریات رسمی کشور به صورت بیانیه و یا از طریق سخنگوی رسمی کانون و یا دبیرکل آن اعلام می گردد.

## بیانیه‌ی کانون صنفی

### معلمان

**پیامون اعتراضات فرهنگیان  
نسبت به مشکلات موجود در  
آموزش و پژوهش:  
به نام خداوند جان و خرد**

در هفته‌های اخیر نوشتاری بیانیه مانند مبنی بر دعوت به تعطیلی کلاس‌های درس در اوایل اسفند به نام کانون صنفی معلمان ایران به ویژه در فضای مجازی منتشر شده است. کانون صنفی معلمان با آگاهی از ساختگی بودن این نوشته، سکوت در مقابل آن را در پیش گرفت و انتشار بیانیه شورای هماهنگی تشكل‌های صنفی سراسر کشور که مواضع جمعی این تشكل‌ها را در مقابل مسائل جاری آموزش و پژوهش نشان می داد، کافی دانسته و به انتشار همان پسند نمود. لیکن از آن جا که بیانیه‌ی ساختگی با اضافاتی بازهم در فضای مجازی انتشار یافت و واکنش‌ها و پرسش

در جایگاه محوری خود در توسعه همه جانبه را دارد؛ لازم است با تصمیماتی قاطع اولاً با حذف هزینه هایی که ظاهراً صرف امور فرهنگی در نهادها و ارگان

هایی می شود که نه مسئولیت مستقیم آموزشی و فرهنگی دارند و نه حتی یک صدم آموزش و پرورش در کشور بُرد و تأثیرگذاری دارند، بودجه آموزش و پرورش را دست کم دو برابر کنند.

ثانیاً تغییرات ساختاری بنیادینی را در جهت محو تمرکزگرایی شدید حاکم بر آموزش و پرورش ( مثلًاً دادن اختیارات بیشتر برای تصمیم گیری به مدیران مناطق جغرافیایی و فرهنگی مختلف کشور) و محوریت بخشیدن به بخش آموزش و توزیع

۲- کانون صنفی معلمان در قالب بیانیه های پیشین و همین بیانیه نارضایتی شدید خود را از شرایط



حاکم بر آموزش و پرورش کشور اعلام نموده و می نماید. معتقد است فضای فکری حاکم بر این وزارت خانه و ساختار کنونی آن نسبت به دولت پیشین تفاوت قابل توجهی نداشته است و ادامه روند نادرست پیشین نابسامانی های این دستگاه و نارضایتی معلمان را روز به روز بیشتر نموده است. ما معتقدیم مجموعه‌ی ساختار تصمیم گیری کشور چنانچه قصد تغییرات بنیادین واقعی در شرایط آموزشی کشور و قرار دادن آموزش

۳- مجلس شورای اسلامی به عنوان مهمترین نهاد قانون گذار در کشور مسئولیت بزرگی در شرایط بد و نابسامانی کنونی آموزش و پرورش دارد. این نهاد اگر می خواهد عصاره‌ی فضائل ملت باشد لازم است به آموزش به عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی کشور توجهی مضاعف داشته باشد. می بایست حتی پیش‌پیش دولت در اندیشه تقویت آموزش و رفع

نقایص متعدد آن در زمینه‌های مختلف باشد.

مجلس چنانچه به حفظ جایگاه حقیقی و قانونی خود و البته منافع ملی و نه جناحی می‌اندیشد، اولاً نباید به وزیر دولت پیشین به دلیل همسو بودن با جناح سیاسی تعدادی از نمایندگان، فرصت چنان تاخت و تاز نابخدا به

تعادل قدرت تصمیم‌گیری و دخالت دادن موثر و سازمان یافته‌ی بدنه آموزشی کشور به ویژه معلمان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، انجام دهد.

ما با کالایی نمودن آموزش در کشور، به فراموشی سپردن اصل آموزش رایگان تحت عنوان های مختلف نظری خصوصی سازی در آموزش و آخرين نمونه‌ی آن سپردن شتابزده مسئولیت تعدادی از مدرسه‌های دولتی به افرادی

به عنوان سرمایه گذار که عمل‌هیج آورده‌ای برای آموزش و پرورش ندارند، مخالفیم. ما معتقدیم آموزش و بهداشت با کیفیت و رایگان بخشی از ابتدایی ترین حقوق هر شهروند است که حکومت با هیج بهانه‌ای نباید مسئولیت خود در ارائه آن‌ها را به حالت تعليق درآورد.

یک نمونه اثر کار  
گرد بد مجلس ، به  
جا گذاشتن پنج هزار  
میلیارد تومان  
بدھی در پایان کار  
دولت د هم برای  
وزارت آموزش و  
پرورش است

افزایش دست کم دو برابری بودجه آموزش و یاری رساندن فارغ از تنگ نظری های جنابی به دولت برای اصلاح بنیادین ساختار آموزش و پرورش ۴- در حدود پنج ماهی که از سال تحصیلی جاری می گذرد، شاهد اتفاقات اغلب

ناخوشایند و خشونت باری در مدارس کشور بوده ایم. اوج این حادث تأسف بار واقعه‌ی قتل معلم شریف بروجردی به دست دانش آموز خود در مدرسه بود.

همین طور اقدامات تنبیه‌ی ناموجهی که از جانب برخی معلمان نسبت به دانش آموزان صورت گرفت و یا واکنش‌های نامعقول برخی والدین نسبت به معلمان که بدون تردید همه‌ی این حرکات محکوم و غیر قابل توجیه‌اند. از سوی دیگر در این ماه ها شاهد شکل گیری حرکات اعتراضی عموماً خودجوش به شکل تحصن یا تجمع در نقاط مختلف

ای را می داد که آثار مخرب آن تا سال‌ها از دامن جامعه آموزش کشور

## اوج این حوادث تأسف بار واقعه‌ی قتل معلم شریف بروجردی به دست دانش آموز خود در مدرسه بود.

پاک

نخواهد شد) یک نمونه‌ی آن به جا گذاردن پنج هزار میلیارد تومان بدھی در پایان کار دولت دهم برای وزارت آموزش و پرورش است).

ثاذیاً نباید جلوی انتخاب فردی قوی به عنوان وزیر آموزش و پرورش در دولت کنونی آن هم به دلیل اختلاف سلیقه‌ی صرفاً سیاسی را می گرفت که فشاری همه جانبیه باشد بر شانه های نحیف آموزش و پرورش تا هرچه بیشتر در باتلاق موجود فرو رود.

انتظار بخش عظیمی از معلمان کشور از مجلس پی گیری خواسته های صنفی - آموزشی آن ها از دولت است.

داردر اعتقادات دینی و ملی و ناتوان از انتقال مهارت‌های مورد نیاز زندگی در جهان امروز...

در صف مقدم آسیب دیدگان این شرایط نابسامان چنانکه وقایع اخیر

کشور از جانب معلمان بوده ایم. این اعتراضات تماماً جنبه‌ی صنفی داشته و به دلیل وضعیت معیشتی بد معلمان و تبعیضی است که همچنان نسبت به آنان روا داشته می‌شود.

اگر تمامی حوادث خشونت بار و حرکات اعتراضی موجود را قطعات مختلف پازل آموزش و پرورش ایران بدانیم؛ تصویر نهایی که از کنار هم قرار دادن این قطعه‌های ظاهراً مجزا شکل می‌گیرد حاکی از بحرانی است

که این نظام در آن گرفتار شده است. بحران در حل کسری و کمبودهای شدید بودجه‌ای، بحران ناتوانی در انتقال دانش به شیوه‌های کارآمد و نو و فهم عمیق آن از جانب دانش آموزان، بحران ناتوانی در ایجاد انگیزه و پویایی در آموزگاران و یادگیرندگان برای کسب دانش و عشق به آموختن و آموزاندن، ناتوان در انتقال ارزش‌های اخلاقی ریشه



نیز نشان می‌دهد، معلمان و دانش آموزان قرار می‌گیرند. دانش آموزان اعتراض خود به این شرایط را با بی‌انگیزگی، افت تحصیلی و مقابله با نظم خشک مدارس، پرخاشگری و افسردگی به عنوان دو روی یک سکه بروز می‌دهند. معلمان نیز با ابراز نارضایتی مداوم از شرایط شغل خود، پناه بردن به شغل‌های دومی که کمترین سنخیت را با شغل معلمی دارند.

برای ایجاد حس بدبینی و سرکوب به شکل های مختلف مواجه بوده اند. اکنون نیز نارضایتی های انباشته شده معلمان، در فقدان فضای آزاد و مناسب برای فعالیت های قانونی و آرامش بخش این تشکل ها می تواند زمینه‌ی شکل گیری حرکت های هیجانی، توده وار، بی شکل و بی شناسنامه را فراهم نماید که به راحتی مورد بهره برداری گروه ها و باندھای بی نام و نشان اما فرصت طلب برای سوء استفاده سیاسی و تبلیغاتی قرار می گیرد. این احتمال نیز وجود دارد که صدور بیانیه‌ی جعلی به نام کانون صنفی معلمان به اشاره‌ی همین سیاست بازان صورت گرفته باشد تا برای پیشبرد هدفهای باندی خود از نارضایتی معلمان سود برده برای آنان اشک تماسح بریزند و آنان را پیاده نظام جلب منافع خود نمایند.

یا اعتراضاتی گاه تند و هیجانی که ناشی از سرخوردگی شدید آنان از شنیده نشدن صدایشان توسط مسئولینی است که گویی در جهان دیگری سیر می کنند ( نمونه اخیر آن ارسال طومار با شش هزار امضاء از معلمان به مجلس که بدون پاسخ ماند یا بی پاسخ ماندن اعتراضات معلمان حق التدریس برای تعیین تکلیف شان پس از سال ها با اتکا به آمار نادرست وزارت خانه مبني بر داشتن نیروی مازاد). آن چه می توانست و می تواند شکاف عمیق بوجود آمده میان معلمان و مدیران ارشد و تصمیم گیرندگان آموزش و پرورش را که نمونه‌ای از شکاف دولت (حکومت) – ملت است را تا حدودی پر نماید وجود تشکل های صنفی مستقل و کارآمد است. متأسفانه در برھه هایی که این تشکل ها تلاش نموده اند کاستی ها موجود و خواسته های بدنه را در قالب نظرات انتقادی به شکلی مدون و مسالمت آمیز به مسئلان رده های مختلف انتقال دهند؛ همواره با بی اعتنایی، ماتع تراشی، مشابه سازی، تبلیغات منفی

## تمامیت خواهان فرو می غلتند.

کانون صنفی معلمان تقاضای رسمی خود برای برگزاری یک تجمع اعتراضی قانونی در روز ۱۰ اسفند از وزارت کشور را به این وزارت خانه ارائه داده است.

...داوری آن سوی در نشسته است، بی‌ردای شوم قاضیان.

ذات‌اش درایت و انصاف هیئت‌اش زمان و خاطره‌ات تا جاودان جاویدان در گذرگاه ادوار، داوری خواهد شد...

کانون صنفی معلمان ایران

تهران

بهمن ماه ۱۳۹۳

## همکاران گرامی!

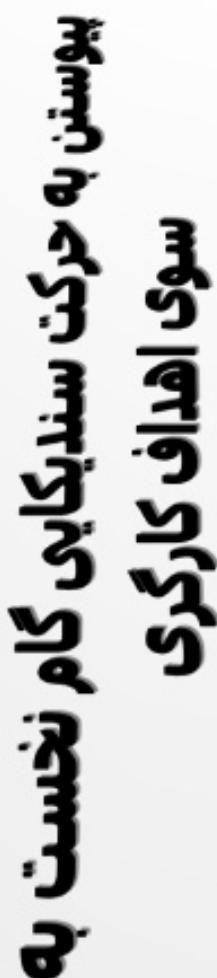
کانون صنفی معلمان ضمن تأکید بر حق قانونی و مسلم معلمان برای اعتراض به شرایط نامطلوب آموزش و پرورش و وجود تبعیض‌های ناروا نسبت به آنان، از همکاران محترم تقاضایی نماید نسبت به بهره برداری فرصت طلبان از نارضایتی به حق آنان هشیار باشند. به مسئولان دولتی نیز هشدار می‌دهد عقلانیت و تدبیر حکم می‌کند پیش از آن که بیش از این دیر شود برای بهبود همه جانبه‌ی اوضاع آموزش و پرورش اقداماتی فوری و اساسی انجام دهند. در غیر این صورت در دور باطل امنیتی تر شدن فضای جامعه و سرکوب گرفتار آمده در ورطه‌ی مطلوب

# تجمع آموزگاران

تهران :

## به گزارش کارگر فلزکار

در تجمع آموزگاران در جلوی مجلس وقتی از یک آموزگار پرسیدم که چرا به تظاهرات آمده گفت: من در جنوب شهر تهران در منطقه محروم و کارگرنشین محله زمزم خیابان مهران درس می دهم. ۲ برادر در مدرسه من هستند که هر چه تلاش کردیم این دو برادر را در یک شیفت بگنجانیم موفق نشدیم. تا اینکه توسط یکی از شاگردان خود پی بردم که این دو برادر فقط یک کفش دارند و صبح یکی از آنها پوشیده و به مدرسه می آید و بعد از ظهر هم دیگری این کفش را می پوشد. من چطور در مقابل این سیستم نا عادلانه سکوت کنم. این در حالی است که ثروت این مملکت در دست عده ای دزد غارت می شود و سیستم قضایی و امنیتی خواب هستد. بیشتر بچه های کلاس من صباحه و یا نهار نخورده به سرکلاس می آیند آن وقت بودجه آموزش و پرورش از همیشه کمتر تصویب می شود. این بود عدالتی که قرار بود برقرار شود؟



در تاریخ یاد شده من در خط آزادی به ونک یعنی منطقه ۶ شاغل بودم. حدودن در ساعت ۱۰ صبح بود که اکثر رانندگان خط ها پیرامون مصاحبہ مدیر عامل و دستگیری اعضای هیات مدیره سندیکا و دیر کرد حقوق آن ماه به صحبت می پرداختند که به یکباره توسط یکی از همکاران با بستن درب خروجی پارک سوار توسط اتوبوس خود و به تبعیت از آن کلیه همکاران دست از کار کشیدند. جالب اینکه وقتی مردم و مسافرین از

موضوع فوق با خبر گرفتند بار ظاهره مبارزات و شدند بدون هیچگونه اعتراضی اعصابات زمستان ۸۴ رانندگان از رانندگان از رانندگان خوب مشکلاتی که منجر به اعتضاب ماند ،

که ما و همه مزدگیران چه آن روز و چه امروزه نوز با آن رو برو هستیم به این قرارند: هزینه های سنگین زندگی ، کمبود دستمزد ، سنگین بودن اجاره بھای مسکن ، بی تفاوتی مسؤولین نسبت به وضعیت کارگران ، پیگیری نکردن حق و حقوق و خواست های صنفی کارگران از

## علی اکبر نظری

### یادداشت کارگری:

یادمانی از همگرایی

اتوبوسرانی واحد

در بهمن ۱۳۸۴

پس از ماهها چشم انتظاری از قولهای برآورده نشده مسؤولین شرکت واحد و اذیت و آزارهای بسیار از جمله برخورد های امنیتی و پلیسی با نفرات سندیکا

و اخراج فعالین آن ، و همچنین مصاحبہ های

توهین آمیز و جنجالی مدیر عامل وقت شرکت واحد ، بالاخره

در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۸

اعتضاب در شرکت واحد

رخ داد. مطالبی که در این گزارش گونه و بصورت خلاصه برای شما مخاطبان عنوان می نمایم مشاهدات و مشکلاتی بوده که برای من بوجود آمده است.

طرف شوراهای تحت اختیار کارفرما بغل خود یک نایلکس که در آن غذای ظهر خود را آورده بود، به تیموری نشان داد و گفت: «ما با این وضعیت امور اتمان را سپری می‌کنیم شما چطور زندگی می‌کنید؟» «متاسفانه آن مسؤول با خنده ای تمسخر آمیز موجبات خشم جمع معتبرضین را بر

انگیخت، به طوریکه راننده‌ها شروع به اعتراض کردند.

در آن موقع با خبر شدیم که تعدادی از راننده‌هایی که به توقفگاه مراجعه نمودند در داخل یک اتوبوس در محوطه توقفگاه منطقه ۶ که در محدوده جنت آباد نزدیک شهرزیبا بوده تحصن کردند.

تحت پوشش نبودن هزینه های برخی از خدمات پزشکی از دیگر

معضلات و مشکلات کارگران بوده و هست. با جمع شدن راننده‌های معتبرضی به یکباره سروکله نیروهای انتظامی و امنیتی پیدا شد. اعتراضات به ساعت ۳ بعد از ظهر کشید که در آن لحظه از طرف شرکت واحد آقای تیموری معاون بهره برداری آن زمان، با یک نفر سرگرد نیروی انتظامی با همکاران معتبرضی شروع به برخورد های تهدید آمیز کرده و وعده حل شدن مشکلات را نمودند که در آن لحظه یکی از راننده‌ها که کت و شلوار به تن داشت از جیب

صبح روز بعد ساعت ۵ صبح بود که با موتور به محل کار مراجعه نمودم. جمعیت ماموران امنیتی و انتظامی و پلیس ضد شورش با در دست داشتن باتوم، اسپری، گازاشک آور، دستبند و لباس فرم در داخل و بیرون درب توقفگاه مستقر شده بودند.

هوا همچنان سرد و تاریک بود و همکارانی که از شب گذشته در توقفگاه بودند با نصب پارچه سفید بزرگ که خواسته هایمان در آن نوشته شده بود منتظر ورود همکاران صبح کار بودند.

در آن لحظه راننده ها خبردار شدند که برخی از مسوولین توقفگاه از درب دیگر منطقه جهت بردن اتوبوس ها به بیرون از توقفگاه در حال اقدام هستند که بلا فاصله تعدادی از دوستان به آن سمت حرکت کردند. سردی هوا و گرسنگی هیچ وقت نتوانست بر همکاران معارض غلبه کند. با جمع شدن گروهی از مامورین و لباس شخصی ها در آن منطقه و با ورود دیگر مامورها که هیچ هویتی نداشتند با اندختن فلش دوربین در آن تاریکی اعلام کردند که فقط بیست دقیقه به شما وقت می

به اتفاق جمعی از راننده ها به مجموع آنها اضافه شدیم.

بچه ها به صورت خودجوش فعل خواستن را صرف نمودند.

تعدادی برای جمع آوری پول جهت هزینه نان و کالباس و عده ای برای تهیه پارچه جهت نوشتن خواسته ها، گروهی برای مصاحبه با خبرگزاری ها که با جلوگیری مامورین امنیتی همراه بود، مشغول بودند. همه اقدامات یاد شده پیامی بود به مسوولین که برای اجرایی شدن خواست هایمان از هیچ تهدیدی هراس نداریم. ساعت ۵ عصر بود که به علت کمر درد به منزل مراجعه کردم.

توسط همکاران عصرکار آن روز با خبر شدم که کارگران معارض همگی شب را تا صبح در نماز خانه سپری کرده اند.

حدود ۱۲ شب با آمدن آقای قالیباف شهردار آن روز تهران، و وعده های ایشان به همکاران، همکاران همچنان به خواسته های خود اصرار داشتند.

کارگران به هیچ عنوان به مسوولین اعتمادی نداشتند.

دھیم که بروید سرکار، والا شش  
هزار سپاهی از شب گذشته به گویی هیچ اختیاری نداشته و هر  
صورت آماده باش منظر رفتن به دستوری که صادر می شد بدون هیچ  
چون و سرکار به جای

چرایی  
اجرا می  
کردند.

جای  
تعجب  
داشت که  
برخلاف  
صاحبہ  
های  
آقایان که  
خود را

پدر  
خانواده  
و دلسوز  
سازمان  
می  
نامیدند و

به وضوح به چشم خود می دیدند که

مامورین چه برخوردی با کارگران  
دارند.

با نزدیک شدن به ساعت ۱۰ بود که  
در حدود ۶۰ نفر از کارگران فنی از  
بالای توقفگاه منطقه ۶ تعمیرگاه آن

به افسر کلانتر / گفتم :

« سلوول بازداشتگاه سرد و فاقه

نطفت بوده و از افراد خلافکار

که هم سلوول من هستند در

عزاب هستم» که ایشان عنوان

نمود :

« اینها خانه خانه نیست »

شما می باشند  
و آن آقایانی  
که عکس  
ازشان گرفته  
شده را می  
بریم آنجایی  
که ... این  
تهدید هم  
نتوانست بر  
خواسته های  
بر حق ما  
غلبه کند و  
همگی در  
جواب گفتند  
ما آماده ای هر  
گونه برخورد  
برای احراق  
حقمان هستیم .

تهدید آن مامور نیز به پنج دقیقه  
نکشید که با دیگر عواملش به مکان  
نامعلومی حرکت کردند. ساعت ۹  
صبح بود که خبر دادند با اعضای  
سندیکا می خواهند مذاکره کنند .

بلافاصله مرا دستگیر و به داخل یک دستگاه اتوبوس خالی هدایت کردند. با دستگیر شدن ۴ تن از راننده های دیگر به کلانتری

۱۲۸ جنت آباد

منتقل شدیم.

مامورین کلانتری عنوان کردند که از ۳ روزی در آماده باش بوده و مقصراً آن را کارگران شرکت واحد عنوان کردند.

سلولی که مارا در آن جا دادند، سرد و فاقد سرویس گرمایشی بود. ساعت ۸ صبح بود که همچنان بدون صحنه برای تنظیم صورت جلسه احضار شدم. به افسر کلانتری گفتم: « سلول بازداشتگاه سرد و فاقد نظافت بوده و از افراد خلافکاری که هم سلول من هستند در عذاب هستم» که ایشان عنوان نمود:

زمان، با سر دادن شعار به جمع معترضین اضافه شدند. خشم

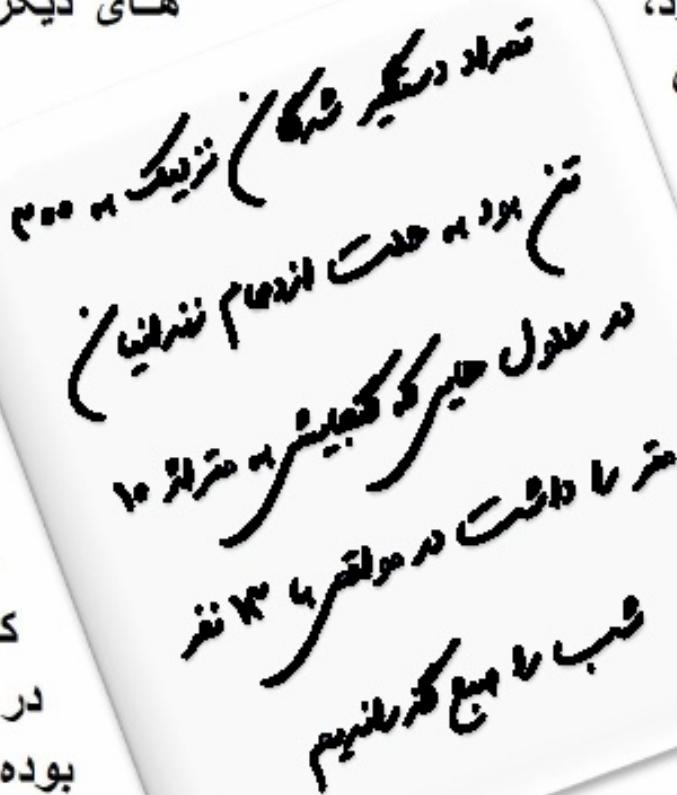
همکاران در آن مقطع از چشمانشان نمایان بود، بطوری که عوامل امنیتی برایشان اثبات شده بود.

تعداد دستگیر شدگان افراد سندیکا در منطقه ما به ۱۶ نفر رسید.

فردادی آن روز طبق معمول

سوار بر سرویس به سمت محل کار راهی شدم. در انتهای مسیر یکی از مسؤولین منطقه ۶ سوار بر سرویس و در صندلی جلو نشست.

ایشان از طرف حراست مامور رصد کردن همکاران داخل سرویس بود. به محض ورود سرویس به درب توقفگاه توسط یکی از عوامل حراست و یک فرد که لباس شخصی به تن داشت با ورود به داخل اتوبوس اسم اینجانب را اعلام و



با خانواده ، نداشتن حق هوای خوری ،  
بستن چشم بند و دستبند در مراحل  
بازجویی برخلاف منشور حقوق  
زندانیان که با نصب یک تابلوی  
بزرگ در درب ورودی زندان بود.

پس از سه مرحله بازجویی که  
در آن از برخورد بعضی از  
آنها به جهت نارضایتی و

تعجب از دستگیری فله  
ای کارگران به جرم  
گرفتن حق و حقوق ،

بالاخره پس از ۱۱ روز آزاد شدم و  
پس از آزادی

برای شاغل

شدن با

مشکلاتی

همچون

جلوگیری

از ورود

به محل

کار

توسط

نگهبانی و

نصب عکس های افراد

سندیکا به دستور حراست در محل

می شد، تحریم هیچگونه تماس تلفنی ورود و خروج مواجه شد.

« اینجا خانه خاله نیست » با خودم  
گفتم اگر اختلاس کرده بودم با من آیا  
اینگونه رفتار می شد؟  
توسط ماشین کلانتری همراه با  
دستبند به پلیس امنیت و سپس به  
زندان اوین منتقل شدم.  
تعداد دستگیر شدگان

نزدیک به

۳۰۰

تزن

بود به

علت

ازدحام

زندانیان

در سلول

هایی که

گنجایشی به

متراز ۱۰ متر

را داشت در

موقعی با ۱۲ نفر

شب را صبح

گذرانیدم.

وضعیت غذایی نامناسب

، برخورد های نامناسب

مامورین داخل زندان که

اغلب کم سن و سال تشکیل

می شد، تحریم هیچگونه تماس تلفنی ورود و خروج مواجه شد.

داری که همانا هدف به نابودی قشر کارگران را دارند ، یاد داشت خود را به پایان می رسانم.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و مارستگار  
عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه  
بهمن ۱۳۹۳

طی تماس تلفنی با مسؤول کارگزینی ایشان عنوان نمود که همگی افراد سندیکایی اخراج شده اند.

با مراجعه همگی راننده های اخراجی به وزارت کار و تحصیل در آن مکان بالاخره پس از شکایت های بسیار در مرداد ماه هشتاد و پنج و پس از ۶ ماه بیکاری به محل کار بازگشتم.

البته شرکت واحد مرا به منطقه ۸ فرستاد.

برخورد همکارانم اوایل هر چند با احتیاط همراه بود ولی همگی از همدلی خود با سندیکا و اعضای سندیکا حکایت ها داشتند.

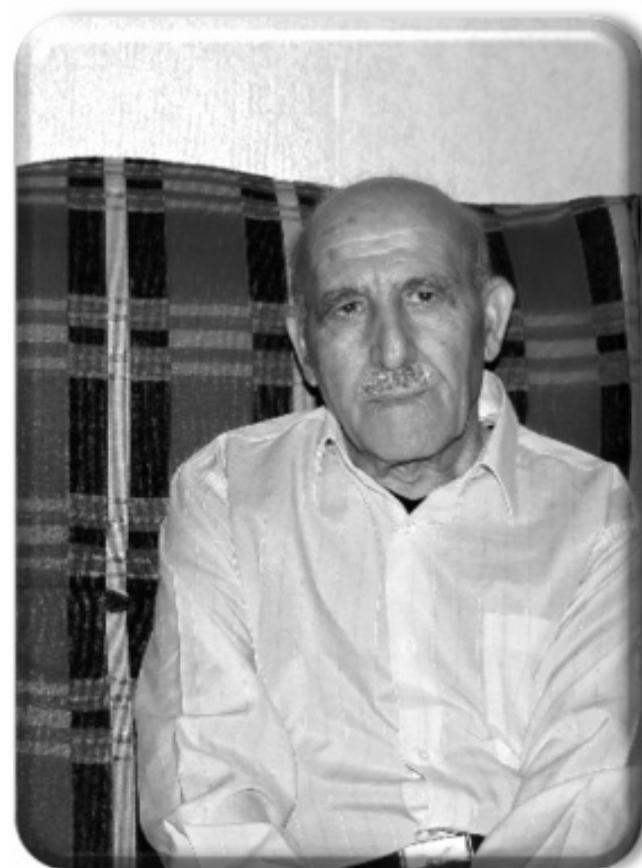
تمامی مسایل مطرح شده در این گزارش گوشه ای از سوی مدیریت های برخی از مسؤولینی که با رابطه در پست های مهم شرکت واحد جا خوش کرده اند.

از دستاوردهای آقایان در ۱۴ سال شاغل بودن اینجانب در شرکت واحد می توان به ۴ دوره اخراج بنده اشاره کرد.

به امید روزی که کارگران با متحد شدن خود باعث ریشه کن شدن افراد سودجوی وابسته به نظام سرمایه

که خط فقر فرضی دولت چه اندازه با خط فقری که گریبان گیر مردم و به ویژه کارگران میباشد تفاوت دارد:  
از نان که خوراک پایه خانوار های کارگری است شروع کنیم؛  
بهای یک نان سنگ ۶۷۵۰ ریال  
صرف خانوار در روز ۳ گرده  
روزانه ۲۲،۵۰۰ ریال  
ماهیانه ۶۷۵،۰۰۰ ریال  
پنیر بافرض صرف هرفرد ۵۰ گرم  
صرف خانوار در روز ۲۰۰ گرم  
(هر ۵ روز ۱ کیلو)  
روزانه ۲۲،۰۰۰ ریال  
ماهیانه ۶۶۰،۰۰۰ ریال  
روغن یک قوطی ۵ کیلویی  
روزانه ۷،۰۰۰ ریال  
ماهیانه ۲۱۰،۰۰۰ ریال  
برنج هر نفر ۳ کیلو در ماه  
هر کیلو ۸۵،۰۰۰ ریال  
روزانه ۳۵،۰۰۰ ریال  
ماهیانه ۱۰۵،۰۰۰ ریال  
تخ مرغ هر هفته یک شانه  
هر شانه ۱۰۰،۰۰۰ ریال  
روزانه ۱۳،۴۰۰ ریال  
ماهیانه ۴۰۰،۰۰۰ ریال

## نبی معروفی:



## من اقتصاد دان

### نیستم!

سال نود و سه در حالی به پایان میرسد که با همه وعده های دادشده دولت تدبیر و امید روز به روز وضع خانوار های کارگری روبه و خامت می رود، نگاهی به هزینه های جاری یک خانوار ۴ نفری گویای آن است

قندو شکر نفری ۲ کیلو در ماه	۴۰۰،۰۰۰ ریال
هر کیلو ۱۵،۰۰۰ ریال جمع مصرف	
ماهیانه ۸ کیلو	
روزانه ۸،۰۰۰ ریال	
ماهیانه ۲۴۰،۰۰۰ ریال	
چای گلستان یا دوغزال ماهی یک بسته	
روزانه ۴،۵۰۰ ریال	
ماهیانه ۱۶۰،۰۰۰ ریال	
نخود، لوبیا، عدس، لوبیا چیتی، لپه، رشته، لوبیا فرمز هر کدام یک بسته در ماه	
روزانه ۱۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۵۰۰،۰۰۰ ریال	
انواع سبزی	
روزانه ۱۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۵۰۰،۰۰۰ ریال	
میوه انواع مختلف در هفته ریال ۲۵۰،۰۰۰	
روزانه ۳۳،۴۰۰ ریال	
ماهیانه ۱۰۰،۰۰۰ ریال	
لباس ۴ نفر در ماه	
روزانه ۳۳،۴۰۰ ریال	
ماهیانه ۱۰۰،۰۰۰ ریال	
آرایشگاه (زنانه نباشد)	
هر نفر ۵۰۰،۰۰۰ ریال	
روزانه ۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۴۰۰،۰۰۰ ریال	
ماهیانه ۲،۴۰۰ ریال	
گوشواره	
۴ کیلو در ماه هر کیلو	
ماهیانه ۷۰۰،۰۰۰ ریال	
مربع ۴ قطعه در ماه	
روزانه ۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۰،۷۰۰،۰۰۰ ریال	
گوشواره	
۴ کیلو در ماه هر کیلو	
روزانه ۲،۴۰۰ ریال	
ماهیانه ۱،۴۰۰،۰۰۰ ریال	
مسکن در پایین ترین نقطه شهر	
تهران مثلاباقر شهر قسط یا اجاره	
روزانه ۱۶۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۱۳،۴۰۰ ریال	
سبابون شامپو و شوینده ها و لوازم	
ماهیانه داشتی	
ماهیانه ۴۰۰،۰۰۰ ریال	
آب، برق، گاز، تلفن	
روزانه ۳۳،۴۰۰ ریال	
ماهیانه ۱۰۰،۰۰۰ ریال	
هزینه رفت و برگشت به محل کار	
روزانه ۲۰۰،۰۰۰ ریال	
ماهیانه ۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال	
هزینه تحصیل دو فرزند دانش آموز (کتاب و دفتر و نوشت افزار + هزینه های جاری + شهریه)	
روزانه ۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال	
هرگز	
ماهیانه ۶،۷۰۰ ریال	
ماهیانه ۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال	
لباس	
ماهیانه ۳۳،۴۰۰ ریال	
ماهیانه ۱۰۰،۰۰۰ ریال	
آرایشگاه (زنانه نباشد)	
هر نفر ۵۰۰،۰۰۰ ریال	
روزانه ۶،۷۰۰ ریال	

نگوییم که امکان هیچ گردش و تفریح و مسافرتی را ندارند. استخراج و تنظیم:

کارگر فلزکار، نبی معروفی

۱۳۹۳ ماه بهمن

ماهیانه ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال

٢٠١

و زاده ۷۶۹، ۸۳۴ ریال

ماهانه ۲۳،۰۹۵،۰۰۰ ریال

### این رقم باحتساب دلار

٣٥٠٠ روپیہ

روزانه \$۲۴

ماهانه ۶۶ .

بديهی است که من کارگری ساده ام

## واز اقتصاد چندان سر درنمی اورم و

## دولت هر کفر با داسن نوایع اقتصادی

هـج مشکل نداشتہ و نداد

## پادآوری میکنم که با بروز سونامی

## های سرطان ، ام اس و دیابت در

## کار رزنه های چند ریسیری احلاس

### ۲ خودار بودن از سلامت حسنه

## کامل و بدون گسورات پیمه ای (به

## نام تامین اجتماعی که به معنی دیگر

در کنار بروز سوئی  
های سرطان، اتم اس و  
دیابت در کنار زلزله  
های حمید رستمی  
اختلاس حمید ای رند فام  
ناریں اجتماعی ایک  
ریسٹر رند ریسٹرنڈ  
اجتماعی ردل کر دیند  
اس

سو بودن کارفرما و دولت. از دیگر عوامل این پدیده شوم در جلسات تعیین دستمزد کارگران است

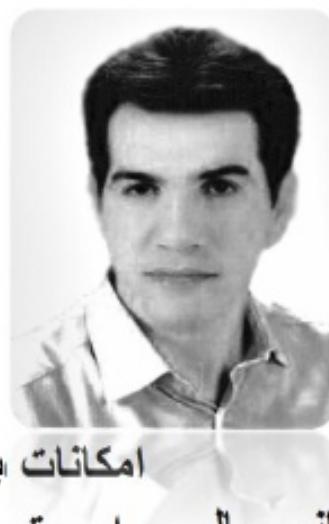
در جامعه ای که بیشترین جمعیت را کارگران و حقوق بگیران تشکیل می دهد، متاسفانه کارگران از امکانات بسیار کمی برخوردارند. به راستی چرا کارگران باید در مجلس شورای اسلامی فقط یک نماینده داشته باشند، آن هم تحمیلی؟

چرا نباید کارگران در تصمیم گیری های کلان جامعه نقشی داشته باشند؟ چرا نباید ۱۱ اردیبهشت (روز کارگر) به صورت تعطیل رسمی در

تقویم جای داشته باشد؟

چرا نباید کارگران در قبال زحمتی که می کشند سهم مناسبی از درآمد داشته باشند تا آنکه یک زندگی شرافتمدانه را برای خانواده خود فراهم کنند.

امروز استفاده ابزاری از زحمتکشان برای پیشبرد اهداف استثمارگرانه معمول و جاری است، مسوولان برای پیشبرد اهدافشان از کارگران بهره می گیرند.



## علی اکبر نظری: ساقیا آمدن

۰۰۰ عیلد

## هیچ رسید برو یادت؟!

با نزدیک شدن به ماه های پایانی سال همه ی امیدها به اعلام دستمزد کارگران است.

هر چند تا امروز افزایش دستمزدها هیچ گونه هم خوانی با شرایط موجود اقتصادی جامعه نداشته است و سفره های خالی کارگران هر روز کم رنگ و کم رنگ تر می شود.

به اعتقاد نگارنده گوشته ای از معضلات کارگران (در خانواده و جامعه) که در ذیل به آن می پردازم را به اختصار توضیح می دهم.

نبد نمایندگان واقعی کارگران در شورای عالی کار.

نداشتن شکل مستقل کارگری، دخالت های دولت و کارفرما در جهت انتخاب نماینده ی کارگر، اشکال در اصل سه جانبه گرایی، هم فکر و هم

اجرا کردن خصوصی سازی، میتینگ های تبلیغاتی، رای گیری، راهپیمایی از دیگر عوامل استفاده از زحمتکشان می باشد.

به راستی چرا هیچ گوش شنوازی در این

توان  
داشت که با  
این تبهکاران مافیایی  
برخورد کند.

به راستی مشکل از آن تعداد کارگری که در روز خودشان (۱۱ اردیبهشت) برای تبریک و پخش شیرینی به هم طبقه ای های خویش اقدام می کنند به وجود می آید ، که آنها را دستگیر و در جواب متهم به برهمن زدن امنیت کشور می شوند؟

آقایان به اصطلاح مسئول تا به کی باید شاهد تعطیلی کارخانه ها، اخراج ، بیکاری، اعتیاد، طلاق، مرگ و میر باشیم؟

تا به کی باید شاهد حمایت های یک طرفه ی شما از سرمایه داران باشیم؟

تا به کی باید شاهد شعارها و عمل نکردن به آنها باشیم؟

جامعه پیدا نمی شود؟

سهم کارگران از تامین اجتماعی چیست؟ وزارت کار چه حمایت های از کارگران می کند؟

چه کسانی از سرمایه های کارگران سود می برند؟

امثال مرتضوی ها، بابک زنجانی ها، جهرمی ها، مالکان اموال کارگران بودند و از قبال ستم کشان ثروت های میلیاردي برند.

چرا کسی پاسخگو نیست؟ وقتی خود دولت بزرگترین بدھکار به سازمان تامین اجتماعی است ، دیگر

تا به کی باید شاهد سوء مدیریت ها  
باشیم؟

بیگانه، خروج کارگاه  
های زیر ده نفر از  
شمول قانون کار،  
نداشتن استاندارد  
محیط کار، هزینه های  
سنگین درمان، مسکن  
مناسب، از دیگر  
معضلات قشر کارگران  
می باشد.

مطلوب یاد شده گوشہ  
ای از مشکلات جامعه  
ی امروزی زحمتکشان  
است.

به امید روزی که  
کارگران با اتحاد هر  
چه بیشتر خواسته  
های خود را به  
کارفرمایان تحمیل  
نمایند.

تواند بود هر که دارا بود

بمیرد هر آن کس که نادر بود

**نبود نایندگان واقعی  
کارگران در شورای  
عالی کار،**  
**نبود تشكل مستقل  
کارگری، دخالت  
دولت و کار فرما در  
انتخابات نایندگان**  
**کارگری، اشکال در  
اصل سه جانبی گرایی  
، لابی گرایی کارفرما  
و دولت**  
**گریبانگیرمان هستند**

تا به کی باید  
شاهد خدمانی  
سازی باشیم؟

تا به کی باید  
شاهد واردات بی  
رویه باشیم؟

تا به کی باید  
شاهد آن باشیم که  
شما برایمان  
تصمیم بگیرید؟

پس این خط فقر  
دستاورد عملکرد  
و مدیریت چه  
کسانی است؟

علت این  
اعتراضات  
چیست؟

نیاز امروز،  
پشتوانه ی فردا  
یعنی چه؟

گذراندن یک روز تعطیل کنار خانواده  
چگونه؟

معافیت مالیاتی بیش از ۴ درصد

ارگان ها برابر با چه قانونی؟

چه کسانی دلوایس کارگرانند؟

گرانی سرسام آور، تورم شتابان، محرومیت از بهداشت، آموزش و مسکن رنج می‌بردند. تا به امروز هم مدعیانی هستند که می‌گویند گویا همه چیز از بازی کارتی در دفاع از حقوق بشر آغاز شد. به این افراد باید گفت که ماجرا کاملاً بر عکس بود. اعتصاب کارخانه جهان چیت در کرج در اردیبهشت ماه ۱۳۵۲، اعتصاب دامنه دار رانندگان شرکت واحد در تبریز در تیر ماه ۱۳۵۳، و اعتصاب کارگران شاهی در تیر ماه ۱۳۵۴، کشتهای خونین از کارگران و مقاومت سرخخانه کارگران علیه نیروهای دولتی، خبر از فضای مقاومت جدی در میان کارگران علیه رژیم سلطنتی می‌داد. در سال ۱۳۵۵، جلوگیری از اعتصابات دیگر ممکن نبود، چنانچه اعتصاب کارخانه چیت سازی تهران به مقاومت چند روزه کارگران انجامید و رژیم با شکست مفتضحانه ای رو به رو شد. کارگران، به قیمت خون خود، در این اعتصاب به پیروزی رسیدند و در افق تیره دیکتاتوری، روزنه‌ای به سوی آزادی گشودند.

## نقش طبقه کارگر ایران در

### پیروزی انقلاب بهمن ماه

۱۳۵۷

رژیم استبداد سلطنتی دست نشانده بیش از آنچه تصور می‌رفت در برابر مردم ایستادگی کرده بود. این رژیم می‌باشد در انقلاب مشروطه و حتی در جنبش تنباکو در سال ۱۸۹۱، که مردم جلوی شمس العماره فریاد میزدند: «ما شاه نمیخواهیم»، سرنگون می‌شد.

نزدیک به یک قرن رژیم پوسیده‌ی سلطنتی با اتکا به حمایت ارتقای داخلی و استعمار خارجی، به خصوص با تکیه بر حمایت آمریکا، در برابر خواست مردم ایستادگی کرد و مانع از استقلال و پیشرفت گردید. انقلاب ۱۳۵۷، طبیعی ترین پاسخی بود که به رژیم سلطنتی وابسته داده شد. مردم ایران زیر بار ستم دوگانه رژیم ساواکی — سلطنتی پهلوی و تسلط نواستعماری آمریکا قرار گرفته بودند. مردم از بار سنگین مالیاتی، هزینه‌های کمرشکن نظامی،

و نهایی مبارزه علیه رژیم سلطنتی ماههای بعد از شهریور تا بهمن ۱۳۵۷ را می‌توان ماههای تعیین کننده و سرنوشت ساز مبارزه علیه رژیم دست نشانده پهلوی نامید. حادثه خونین ۱۷ شهریور، «جمعه سیاه»، نشان داد که رژیم شاه به توصیه آمریکا دست از «لیبرال منشی» ادعایی خود دست برداشته ومصمم است با زور گلوله و مسلسل و به میدان آوردن نیروهای ارتش، جنبش مردم به پاخته را سرکوب کند. توان اقشار روش‌نفری و دانشگاهی و نیروهای بسیج شده در خیابانها، با همه فدایکاری و از خود گذشتگی که تا آن زمان در جریان مبارزه علیه رژیم سلطنتی از خود نشان داده بودند، برای درهم کوبیدن یورش ارتفاع سلطنتی تا دندان مسلح کافی به نظر نمی‌آمد. در این شرایط دستهایی پرتوانتر و قویتر لازم بود تراه را در پیش پای جنبش مردم بگشاید. این دستهای پرتوان و پرقدرت از آن طبقه کارگر بود که به عنوان نیروی ضربتی انقلاب به میدان آمد. از اوایل مهرماه ۱۳۵۷ تنها دو هفته پس از «جمعه سیاه»،

برخلاف ادعای مدعیان دروغین حقوق بشر، این اعتصابات کارگران در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۲ بود که به تحول مطلوب و مورد انتظار در فضای سیاسی کشور منجر شد، نه «توصیه کارت‌به شاه». طبقه کارگر ایران نقش پیشگام رادر دوران تدارک و تکوین مبارزات علیه رژیم سلطنتی بر عهده داشت. این سخن باید به تأکید گفته شود زیرا تحریف کنندگان تاریخ ادعا می‌کنند که گویا بازگشایی فضای سیاسی ایران با منطق حقوق بشر کارت آغاز شدو رسالت این بازگشایی نیز بر عهده جمعیتهای منتب به طبقات حاکم بوده است. درست قضیه بعکس است. بازگشایی فضای سیاسی کشور نتیجه مبارزات کارگرانی بود که در جاده کرج، در اعتصاب تبریز، در حوادث شاهی و در اعتصابات تابستان ۱۳۵۵، کشته‌های بسیار دادند اما تسلیم رژیم سلطنتی ضد کارگر نشدند. واقعیت این است که قربانی‌های طبقه کارگر و مبارزات آن راهگشای اصلی انقلاب بزرگ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ بود. نقش طبقه کارگر در مراحل سرنوشت ساز

سطح کشور شرکت داشتند. این اعتصاب کارگران و کارکنان صنعت نفت بود که تانکهای ارتش شاه را در عمل متوقف ساخت و اورا وادار کرد که برای تأمین سوخت تانکهای خود دست به دامن دولتهای غربی و آمریکا شود. کارگران و کارمندان صنایع ماشین سازی تبریز و اراک (که در شهریور ماه نیز اعتصابات مهمی را برگزار کرده بودند)، کارگران کارخانه های مونتاژ اتوموبیل در تهران، بسیاری از کارگران کارخانه های صنایع ماشینی در مرکز و بسیاری از شهرهای دیگر، کارگران کارخانه های سیمان در صوفیان و شیراز، ۷ هزار نفر از کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون و صدھا موسسه تولیدی دیگر، یکی پس از دیگری اعتصابات وسیع و گسترده ای را در مهرماه برگزار کردند. اعتصاب کارگران ذوب آهن و فولاد در اصفهان و اهواز، اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ و آهن در دامغان، بافق و البرز، اعتصاب کارگران معادن و کارخانه ذوب سرچشمه، از جمله اعتصابات مهم دیگر مهرماه بودند

که در آن رژیم استبدادی شاه ضربه ای غافلگیرانه به تظاهرات عظیم مردم تهران و دیگر شهرها وارد آورد و با اعلام حکومت نظامی در ۱۲ شهر، در عمل اداره امور کشور را به دست نظامیان سپرد، کارگران و کارمندان و دیگر زحمتکشان ایران اعتصابات وسیع و دامنه داری را آغاز کردند. این اعتصابات در عرض مدت بسیار کوتاهی اقشار عظیمی از زحمتکشان را در کلیه رشته های تولید صنعتی و کشاورزی ماشینی، حمل و نقل، و خدمات فراگرفت. در صف مقدم این اعتصابات، که وسعت و گستردگی آن گاه شامل اعتصاب هم زمان کلیه کارگران و کارمندان یک رشته در یک شهر و ناحیه می شد، کارگران صنایع ذوب آهن و معادن، نفت، ماشین سازی، راه آهن و نساجی قرار داشتند. اعتصابات مهرماه را قبل از همه کارگران و کارکنان صنعت نفت آغاز کردند. در این اعتصابات، گذشته از کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان، شیراز، تهران و تبریز، کارگران شرکتهای مقاطعه کاری وابسته به شرکت ملی نفت و دیگر کارکنان این شرکت در

بنادر، حرکت کلیه قطارهای مسافری و باری و امر تخلیه و بارگیری کالا به کشتیها و ترجیح آن از گمرگات به کلی متوقف گردید. مهرماه با اعتصابات وسیع و گسترش کارمندان دولت نیز که بیشتر آنان را کارکنان و خدمتگزاران جز تشکیل میدادند، همراه بود. ابتدا کارکنان بانکها با اعتصاب خود سیستم مالی و پولی را فلچ ساختند. از ۱۵ تا ۱۹ مهر، کارکنان مخابرات در سراسر کشور سیستم ارتباط تلفنی را متوقف کردند و دولت را به قبول خواستهای خود وادار ساختند. اعتصاب ۱۰ هزار کارمند، کارگر و نامه رسان پست از ۱۲ مهرماه آغاز شد و در یک روز، کارکنان پست و تلگراف در سراسر کشور دست از کار کشیدند. این اعتصاب تنها در آخر مهرماه با پیروزی نسبی و مهلت یکماهه برای تحقق کلیه خواستهای اعتصاب کنندگان پایان یافت.

در اعتصابات مهرماه نه تنها کارگران یک رشته تولیدی یا خدمات، بلکه گاه کارگران وابسته به رشته‌های مختلف در یک شهریا در سراسر کشور، اعتصابات وسیع

که هر یک شامل اعتصاب همزمان بیش از ۱۰ هزار کارگر بود. در همین ماه، هم زمان با برگزاری اعتصابات در واحدهای بزرگ صنایع سنگین مادر، اعتصابات پی در پی در کارخانه‌های نساجی نیز صورت گرفت که به تدریج و تا پایان مهرماه، زمینه اعتصاب جمعی کلیه کارگران صنایع نساجی کشور را فراهم آورد. دامنه اعتصابات کارگران در رشته‌های گوناگون تولید صنعتی، که بطور عمدی با پیروزی کامل یا نسبی کارگران در دستیابی به خواستهای صنفی همراه بود، همچنان رو به افزایش بود. اعتصابات کارگران در مهرماه تنها به صنایع و رشته‌های تولیدی اختصاص نداشت. این اعتصابات همچنین کلیه رشته‌های حمل و نقل، اعم از راه آهن، تاکسیرانی شهری و حتی کارکنان هواپیمایی کشوری را در بر میگرفت. ۳۴ هزار کارگر و کارمند راه آهن در اواسط مهرماه اعتصاب وسیع و متشکلی را به مدت ۵ روز برگزار کردند و دولت را به قبول خواستهای خود وادار ساختند. در جریان اعتصاب کارگران راه آهن و کارگران

مؤسسه روش‌های مکانیزه و کامپیوتر، سیمان غرب، کارخانه‌های نساجی کاشان، صنایع اراک، شرکتهای پایینده، تضامنی، و سایر شرکتهای وابسته به این گروه می‌گردید. در مهرماه همچنین کارگران و کارکنان شرکتهای مقاطعه کاری، اعتصابات هم زمانی را در سراسر کشور برگزار کردند. برای نمونه، در روز ۲۶ مهر کلیه کارگران شرکت ماشینهای راهسازی «کاترپیلار» در تهران و دیگر نقاط کشور دست به اعتصاب زدند. مشابه همین اعتصابات از سوی کارگران و کارکنان شیلات مازندران و گیلان برگزار شد. درجه وسعت و گستردگی اعتصابات پدیده ای نو بود. در اعتصابات کارگری گذشته در کشور ما، چنین اعتصباتی تنها در صنایع نفت و نساجی انجام شده بود.

اما وسعت و گستردگی اعتصابات هیچگاه بدین گونه نبود که در یک زمان اعتصاب شامل بخش عظیمی از کارگران و کارمندان در سراسر کشور شود. در جریان اعتصابات کارگری در مهرماه سال ۱۳۵۷، در برخی روزها تا یکصد هزار نفر و

وگسترده‌ای را برگزار کردند. برای نمونه، در اعتصابات گیلان، ۲۸ هزار نفر کارگر و کارمند کارخانجات «متال کانتینر»، «آل. آر. سی»، کارخانه پوشش گیلان، کارگران دخانیات، سازمان آب و برق، جنگلداری، دارایی و اقتصاد شرکت داشتند. در شیراز، کارگران کارخانه‌های پارچه بافی ایگار، نرگس شیراز، کارخانه لاستیک بریجستون، سیمان پارس، مجتمع گوشت، و دیگر واحدها، اعتصابات همزمانی را برگزار کردند. همچنین، وضعیت مشابهی در یزد، شهر صنعتی البرز و پاره‌ای از شهرهای دیگر وجود داشت. به عنوان یک نمونه دیگر از اعتصابهای مهم، که بیانگر دامنه و گستردگی اعتصابات در بخش خصوصی بود، می‌توان از اعتصاب همزمان ۷ هزار نفر از کارگران و کارکنان ۴۰ شرکت وابسته به «گروه صنعتی بهشهر» نام برد. اعتصاب کارگران و کارکنان این گروه صنعتی شامل کارخانه‌های روغن نباتی شاه پسند، روغن بهار، لادن، پودر برف، پودر سپید، صابونهای گلناز و عروس، پاکسان،

نهایی، ترکیب همین مبارزات با اعتراضات وسیع مردمی در طی ماههای دی تا بهمن بود که عرصه را بر رژیم تنگ کرد و شاه را فراری داد، و بالاخره کابینه فرمایشی بختیار را نیز به سقوط کشاند. از فاجعه سینما رکس آبادان در ۲۹ مرداد ۵۷، که به سقوط کابینه آموزگار انجامید، تا ۲۱ بهمن که کابینه فرمایشی بختیار سقوط کرد، همه روزهای روزهای مبارزه بود. اما روزهای اواسط آبان ماه، نیمه دوم آذرماه و هفته اول دیماه، که طی آن سه موج اعتضاب سیاسی پی در پی، یکی شدیدتر از دیگری، به رژیم شاه تحمیل شد، دارای ماهیت خاصی بود. در این سه نبرد سیاسی آشکار، طبقه کارگر ایران ابتدا توطئه تعویض دولت «کشوری» شریف امامی با دولت «نظمی» از هاری را عقیم گذاشت؛ سپس موفق به طرد دولت نظامی از هاری شد و بالاخره با تحمیل شدیدترین ودامنه دارترین اعتضابات سیاسی به رژیم، وظیفه طرد رژیم سلطنتی را از قوه به فعل درآورد. مجموعه مبارزات مردم ایران در آن ماههای نهایی و

بیشتر بطور همزمان در سراسر کشور در حال اعتضاب بودند. سطح بالای تشكل اعتضابی و هماهنگی در طرح خواستهای صنفی و سیاسی از ویژگیهای عمدۀ این اعتضابات بود. برای نمونه، کارگران و کارمندان راه آهن بطور همزمان اعتضاب را شروع کردند. اعتضاب کارکنان ۴۰ شرکت وابسته به گروه صنعتی بهشهر، که در نقاط مختلف کشور پراکنده بودند، از روز واحدی شروع شد. هفت هزار نفر کارگران و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون اعتضاب خود را همزمان آغاز کردند و تا دستیابی به خواسته هایشان، ۳۳ روز در حال اعتضاب بودند. در مراحل سرنوشت ساز و نهایی مبارزه علیه رژیم سلطنتی، طبقه کارگر ایران با سلاحهای شناخته شده خود وارد میدان مبارزه شد. ابتدا کارگران با حربه اعتضابات اقتصادی، که از ۱۳ شهریور ماه ۵۷ آغاز شد و تا اوایل آبان ماه ادامه داشت، دستگاه دولتی را فلچ کردند. در ماههای آبان و آذر، اعتضابات اقتصادی را به اعتضابات سیاسی فرا رویاندند، و در مرحله

پشت تریبون مجلس بگوید: «من از این کلمه اعتصاب بدم می‌اید». امروز از رضاخان و اقبال و محمدرضا اثری نیست.

امروز، طبقه کارگر ایران نیروی اصلی را در جهت تحقق آرمانهای انقلاب عدالتخواهانه بهمن ۵۷، تشکیل می‌دهد و تنها در صورتی خواهد توانست نقش تاریخی خود را در پیروزی جنبش ایفا کند که کارگران از حق داشتن تشکلهای مستقل خود برخوردار باشند.

پیش به سوی ایجاد و گسترش سندیکاهای کارگری بانو آوایی (بافده)

سرنوشت ساز افتخار آفرین بود. اعتراضات عظیم مردم در خیابانها، ندای همزمان تکبیر در پشت بامها، اجتماعات میلیونی و راهپیمایی‌های ده میلیون نفری صفحات درخشانی از تاریخ معاصر کشور ما به شمار می‌رود. اما جنبش اعتسابی سیاسی عظیم زحمتکشان ایران، از اعتسابات کارگران نفت گرفته تا کارکنان راه آهن، از فلزکاران و نساجان اصفهان گرفته تا معدنچیان زیرآب و شاهی، از صنعتگران تبریز گرفته تا قالیبافان کرمان اعتساباتی که مجموعه رژیم حاکم و بنیان اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آن را فلچ کرد؛ دارای اهمیتی ویژه است. طبقه کارگر ایران در لحظات حساس نهایی نیروی خود را برای وارد کردن ضربه قطعی به رژیم سلطنتی به کار برد. پهلوی‌ها، پدر و پسر، کوشش داشتند تا طبقه کارگر را در جامعه ایران نادیده بگیرند. رضاخان به کار بردن کلمه کارگر را منوع کرده بود و دستور داده بود به جای کارگر بگویند «عمله».

اقبال، نخست وزیر محمدرضا پهلوی هم به خود جرأت میداد از

با دیگر کارگرانی که بر روی فلز کار می کردند سندیکای کارگران فلز کار مکانیک را در سال ۱۳۳۷ تشکیل داده و در سال ۱۳۳۹ با شماره ۳۴ به ثبت وزارت کار رساندند.

سندیکای فلز کار مکانیک در جریان سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ در مسیر تشكل کارگران در مبارزه برای خواست هایشان، برای تصویب یک قانون کار مترقی و پاسخگو به خواست های زحمتکشان و تغییرهای پایه ای به نفع آنان مبارزه کرد. اجرای خواسته هایی همچون کمد لباس، رستوران، آب، کولر، سرویس، صابون و حمام.... در داخل کارخانه ها و کارگاهها از جمله کارهای سندیکای کارگران فلز کار مکانیک است.

متاسفانه در سال ۱۳۶۲ با یورش به سندیکاهای کارگری و دستگیری جمعی از فعالان این سندیکا و سپس اعدام هدایت الله معلم عضو هیات مدیره سندیکا، سندیکای کارگران فلز کار مکانیک از فعالیت باز ماند. از اوایل دهه ۸۰ بار دیگر پیشکسوتان سندیکایی با تشکیل

## ...سو دلبران گفته آید

### در حدیث دیگران:

این گزارش از فعالیت های سندیکای کارگران فلز کار مکانیک در نشریه کارگر ساختمان مندرج گردیده است: سندیکای فلز کار مکانیک میراث دار بیش از هفت دهه مبارزه کارگران فلز کار و مکانیک در مسیر تحقق آرمان ها، خواست ها و شعارهای انسانی، کارگری- اجتماعی، حق طلبانه و قانونی شان می باشد. در بهار سال ۱۳۴۳ جمعی از کارگران مکانیک اتومبیل، اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل را پایه گذاشتند.

اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل در چارچوب صفوف کنفدراسیون شورای متحده کارگران و زحمتکشان ایران توانست در مبارزه برای تصویب اولین قانون کار نقش ایفا کند.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، بازماندگان این اتحادیه در همکاری

اتکا به اعضايش بند بند اساسنامه سندیکا را اجرایی کند، که تز جمله می توان به تلاش های زیر اشاره کرد. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک را احیا کرد و توانست با حمایت از رئیس هیات مدیره تعاونی مسکن، تعاونی

**سندیکای**  
 فلزکار ابتدا  
 خبرنامه فلزکار  
 و سپس  
 ماهنامه پیام  
 فلزکار را  
 منتشر کرد.

مسکن را از سقوط نجات داده و برای ۴۷ کارگر عضو از ۱۵۰ عضو، در شهرک پرند خانه بگیرد. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک با سندیکای کارگران شرکت واحد، هفت تپه، نقاش و نیروی کار پروژه ای متعدد است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و هفت تپه و نقاش با نوشتن نامه به برادران کارگر شان در ث. ژ.ت فرانسه از ورود نمایندگان قلابی کارگری ایران به جلسه سالیانه ILO در سال گذشته، جلوگیری کردند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک با جمع آوری امضا و فرستادن آن به مجلس، علیه لغو ۱۰ سابقه برای بازنشستگی کارگران، آن را دوباره

هیات موسسان سندیکاهای کارگری و راهنمایی پیشگامان سندیکایی به

فعالیت های سندیکایی جانی دیگر دادند. در سال ۱۳۸۴ با موج نوین سندیکاخواهی در کشور، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ با برگزاری

اولین جلسه، کار خود را آغاز نموده و از آن تاریخ تاکنون در مسیر تشكل وسیع و کارآ و دفاع از حقوق قانونی کارگران فلزکار مکانیک و جنبش کارگری ایران در چارچوب قانون و مقاوله های سازمان جهانی کار و منشور جهانی سندیکاهای عمل کرده است.

سندیکای فلزکار مکانیک ایجاد سندیکاهای کارگری و فعالیت قانونمند و عاری از تعرض های غیر قانونی به تشكل های مزدبگیران را در مسیر تغییرات بنیادین اقتصادی و اجتماعی، حق قانونی و خدشه ناپذیر همه کارگران یدی و فکری ایران می داند. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تلاش کرده است با

۵۰ سال پیش با دست توانای کارگران سندیکایی فلزکار مکانیک ساخته شده بود، در ارتفاع ۴۰۰۰ متری، را جشن بگیرد.

بیش از ۱۵۰ کوهنورد و کارگر در آن شرکت داشتند و از دو تن از سازندگان کارگر این جان پناه تجلیل کرد.

ده سال است که سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در امر تکثیر آموزش های کارگری فعال است و با تهیه کتابهای مناسب و کارگری و رساندن آن به سندیکاهای برادر در افزایش آگاهی نقشی موثر داشته است.

در حال حاضر سایت دو زبانه اینترنوتی فلزکار مکانیک، انعکاس دهنده خبرها، نقطه نظرها و پیادیه های رسمی سندیکای

کارگران فلزکار مکانیک ایران و سایر سندیکاهای کارگری ایران می باشد.

به تصویب رساند. در این جمع آوری امضا برای اولین بار اعضای سندیکا با نوشتن شماره های تماس خود شرکت کرده بودند.

ما برای کارگران سندیکایی مان که بیکار بودند تا به حال بیش از ۵۰ مورد کار پیدا کرده و آنان را شاغل کردیم. اعضای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک با اتحاد و همبستگی و پیگیری توانسته اند تاکنون کارگران کارخانه هایی زیادی را به عضویت سندیکا در آورند.

رویکردی مردمی در سندیکای کارگران فلزکار مکانیک :

با فعال کردن گروه کوهنوردی خود در سال گذشته، نه تنها جان پناه کارگر توجال را با همکاری گروه های کوهنوردی

کارگری ترمیم و بازسازی نمود، بلکه جشن پنجاهمین سال ساخت جان پناه کارگر توجال را که توسط گروه کوهنوردان فلزکار وابسته به سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در



کارگران فلزکار مکانیک ایران و سایر سندیکاهای کارگری ایران می باشد.

## پیروزی زحمتکشان



دولت یونان بدون کمترین توجه به هشدارهای صندوق بینالمللی پول و کمیسیون اروپا در مورد ضرورت رعایت شرایط پرداخت اعتبار به یونان یعنی انجام خصوصی سازی، کاهش و تثبیت دستمزدها، کم کردن کارمندان و کارگران بخش دولتی در هر سه زمینه برنامه انتخاباتی خود را به اجرا گذاشت. نخست توقف خصوصی سازی دو بندر مهم پیره و تسالونیک و همچنین شرکت برق یونان اعلام شد. همزمان دولت اعلام کرد که حداقل دستمزدها را به میزان حدود یک سوم افزایش خواهد داد، این افزایش شامل حال مقرری بازنشستگان نیز خواهد شد. همچنین هزاران کارمند و کارگر دولت که بنا به درخواست ترویکا (کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بینالمللی پول) اخراج شده بودند به بازگشت به کار دعوت شدند. همچنین

## یونانی به کجا خواهد انجامید؟

دو روز پس از پیروزی حزب چپ سیریزا در انتخابات یونان، که زحمتکشان یونانی نقشی مهم در آن داشتند، الکسی تسیپراس رهبر حزب و نخست وزیر جدید یونان کابینه این کشور را معرفی کرد. سرعت معرفی کابینه نشان داد که این حزب برخلاف آنچه در باره تازه کار بودن رهبران آن گفته می شود کاملاً آماده پیروزی در انتخابات و اجرای برنامه های خود بوده است. همان روز نخست

نکردند به چند دلیل. اول آنکه نمی خواهند "گستاخی" دولت یونان در شانزده ماه پیش اخراج شده و در

کمیسیون اروپا

در سطح توده  
مردم بویژه  
دیگرکشورهای  
بدهکار پوشش  
پیدا کند. دوم  
امیدوارند مسائل  
با دولت یونان  
بدون ایجاد سر  
و صدا و تبدیل  
شدن به بحث  
روز افکار  
عمومی حل

شود تا پسورد افزایش وزن  
و حضور چپ های دیگر کشورهای  
اروپایی تمام نشود.



### جلوی

در این وزارت خانه چادر زده بودند صادر کرد. این اقدامات اراده دولت جدید یونان را به اجرای برنامه های خود و پایان دادن قاطع به برنامه های ریاضت اقتصادی به نمایش گذاشت.

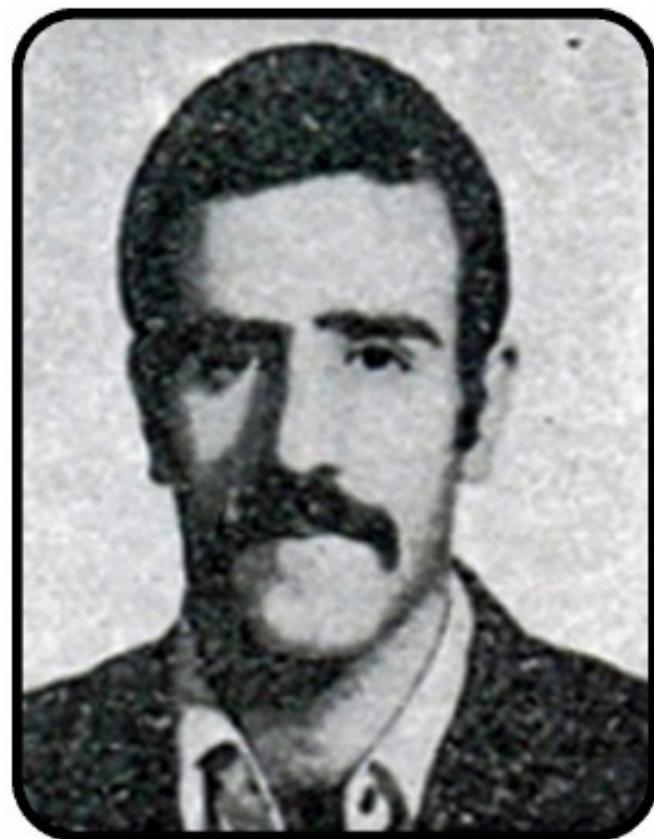
با اینحال رسانه های راستگرای اروپایی درباره اقدامات جدید دولت یونان سر و صدای چندانی برپا

سندیکالیست‌های آگاه و مجرب بطور خاص بستگی داشت.

افشاندن بذر آگاهی طبقاتی و سندیکایی در میان توده‌های وسیع کارگران در مراکز صنعتی و خدماتی و سندیکاهای تشکل‌های موجود آن زمان توسط مبارزان سندیکالیست و کارگران پیشرو صورت گرفت که سرانجام نتیجه آن اعتصاب‌های بزرگ در سال ۱۳۵۷ و به زانو در آمدن رژیم وابسته به امپریالیسم بود. محمد جانجانیان به عنوان یک کارگر پیشرو، انقلابی و شجاع و سندیکالیست آگاه یکی از آن مبارزان قهرمانی است که هدایت و سازماندهی اعتصاب‌های مختلف کارگری را در سال‌های ۵۶ - ۵۷ بر عهده داشت. محمد جانجانیان در اوآخر دهه بیست خورشیدی در شهر همدان چشم به جهان گشود.

او فرزند یک خانواده بسیار محروم بود و از این رو از همان نوجوانی مجبور به کار و تأمین مخارج خانواده اش شد.

## محمد جانجانیان



### سندیکالیست آگاه و

### انقلابی شجاع

نقش تاریخی طبقه کارگر ایران در انقلاب مردمی بهمن و شکست رژیم سلطنتی به میزان زیادی به فعالیت خستگی ناپذیر فعالان و مبارزان جنبش کارگری بطور عام و

# بخش مبارزان پیش کسوت

## چنین سندیکایی: حسین سمنانی از سندیکای کفاشان، محمد علی طبرسی و مظاهری از سندیکای بافنده سوژنی

آموزش‌های سندیکایی را فرا گرفت. به عنوان کارگر بافنده شروع بکار کرد. سندیکاهای صنوف در آن زمان شماری از وفادارترین کارگران و سندیکالیست‌های انقلابی را در خود

چهارده سال بیش نداشت که برای یافتن کار بهتر و درآمدی برای زندگی، به تهران مهاجرت کرد. ابتدا در شرکت‌های مختلف به عنوان کارگر ساده مشغول بکار شد. روزها کارگری می‌کرد و شب‌ها درس می‌خواند. فشار زندگی باعث گردید نتواند به تحصیل ادامه دهد و از کلاس پنجم متوسط ترک تحصیل کرد. او اما درس واقعی زندگی را میان توده‌های محروم جامعه آموخت. نخستین بار در کارخانه مستوفی مشغول بکار شد. آشنایی با محیط جدی کارگری برای او که با پوست و گوشت خود فقر و بی‌عدالتی را لمس می‌کرد، حاوی تجربه‌های پُر ارزش بود. خیلی زود از این کارخانه اخراج شد، زیرا از حقوق کارگر و حق کارگر سخن می‌گفت.

این نخستین آشنایی وی با تضاد طبقاتی، ظلم اجتماعی و استثمار بود. در چندین کارخانه دیگر مشغول بکار شد اما روح نا آرام و جویای حقیقت جانجانیان سبب می‌گردید، کارفرمایان فوری او را اخراج کرده و از "شر" این کارگر جوان و شجاع راحت شوند. در همین دوران نخستین

اصول فعالیت سندیکایی و سنت‌های طبقاتی و انقلابی را نزد مبارزانی چون طبرسی و مظاهری فراگرفت. در همین دوران یعنی سال‌های ۵۵ - ۵۶ به علت آگاهی طبقاتی، مهارت در فعالیت سندیکایی و شجاعت مثال زدنی‌اش به عضویت هیأت مدیره سندیکای کارگران بافندۀ سوزنی درآمد و یکی از دبیران آن شد. فعالیت پُر ثمر محمد جانجانیان در سال‌های ۵۶ - ۵۷ و نقش ماندگار در اتحاد عمل سندیکاهای کارگری موجود آن زمان بویژه سندیکاهای کارگری صنوف فراموش نشدندی است. او ضمن آن که از سازمان دهندگان اعتصاب‌های کارگری بخش صنوف بود و در عین حال وحدت عمل میان سندیکاهای کارگران صنوف با کارگران صنعت نفت، برق و دیگر بخش‌ها را با فعالیت خستگی ناپذیر و شبانه‌روزی تأمین می‌کرد. به عنوان یک انقلابی آگاه و استوار در سنگر انقلاب بسود استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و نابودی رژیم شاه و ارباب آمریکایی آن می‌رزمید. نقش محمد جانجانیان در اتحاد عمل سندیکاهای کارگری در

جای داده بوند، که علی‌رغم تلاش ساواک و گزمه‌گان رژیم سیاه سلطنتی به کار پُر ثمر اشتغال داشتند.

محمد جانجانیان خیلی زود به عضویت سندیکای کارگران بافندۀ سوزنی درآمد.

## وحدت عمل میان سندیکاهای کارگران صنوف با کارگران صنعت نفت، برق و دیگر بخش‌ها را تأمین می‌کرد

عضویت او در سندیکا و آشنایی با برخی مبارزان پیش کسوت جنبش سندیکایی نظریر حسین سمنانی از سندیکای کفashان، محمد علی طبرسی از سندیکای بافندۀ سوزنی و مظاهری از فعالان ثابت قدم سندیکایی در آن دوران، دریچه‌ای جدید از زندگی در برابر این جوان حقیقت جو گشود.

جريان اعتصاب‌های بزرگ سال ۵۷  
از یادها نخواهد رفت.

او منادی اتحاد عمل صنف‌های کارگری و جنبش سندیکایی به شمار می‌رفت و تمام زندگی او طی این دوران به این امر خطیر مربوط می‌گردید.

محمد جانجانیان به عنوان دبیر سندیکای کارگران بافنده سوزنی در جریان نبرد مسلحانه در روزهای ۲۱ تا ۲۳ بهمن سال ۱۳۵۷ فعالانه حضور داشت و در بامداد روز ۲۳ بهمن ۵۷ در میدان ارک تهران با گلوله مزدوران رژیم تبهکار شاه به شهادت رسید، او نمونه درخشانی از کارگر آگاه و انقلابی و یک سندیکالیست مجبوب است. نام او با افتخار بر پرچم خونین جنبش کارگری ایران حک شده است.

از او بیاموزیم و راه او را ادامه دهیم!

**به علت آگاهی  
طبقاتی، مهارت در  
فعالیت سندیکایی  
و شجاعت مثال  
(دنی‌اش به عضویت  
هیأت مدیره  
سندیکای کارگران  
بافنده سوزنی  
درآمد**

فعالیت بود تا یک به یک قانون کار را در کارخانه برقرار کند.

برقراری قوانین انسانی به مذاق رئیس کارخانه و مسوولین وزارت کار خوش نیامد در نتیجه با موافقت و تحریک صاحب کارخانه به نام کورس اخوان توطنه حمله به سندیکا و اخراج فعالین سندیکایی به مرحله اجرا گذاشته شد.

صبح ۱۳۳۱/۷/۲۱ زمانی که کارگران به کارخانه وارد شدند، دو دستگاه کامیون مملو از پاسبان را کنار در ورودی کارخانه متوقف دیدند. زمان کوتاهی از شروع کار نگذشته بود که عده ای چماق دار از داخل کارخانه و پاسبان های خارج کارخانه با دستور و همکاری رئیس کارخانه به منظور سرکوب و نابودی موفقیت سندیکایی آنان با به کارگیری باتوم و پرتتاب گاز اشک آور به کارگران حمله نموده به ضرب و جرح کارگران مشغول شدند که با حمله متقابل کارگران و زد و خورد خونین با آنها، پاسبان ها و مهاجمین را از کارخانه خارج کردند و با بستن در کارخانه مانع ورود مجدد آنان گردیدند.

با تعطیل کردن کارخانه و اجتماع مقابل دفتر، کارگران ضمن اعتراض به این حمله ناجوانمردانه تصمیم گرفته شد تا کسب نتیجه و بررسی این یورش وحشیانه، در محل کارخانه

## هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق...

در سال گذشته مطلبی در مورد کوشنده کارگری خاتم مهری گیلی پور نوشته بودیم. امسال یکی از خوانندگان نشریه مطالب جدیدتری برای ما ارسال داشتند که در زیر می خوانید:

در سال ۱۳۳۱ در کارخانه چیت سازی مهری گیلی پور متصدی و سرپرست آزمایشگاه کارخانه بود.

در اعتصاب یک روزه ای که منجر به تشکیل سندیکای کارگران کارخانه چیت سازی ری گردید نامبرده از فعالین اعتصاب بود. خاتم مهری گیلی پور و آقای اکبر نعمتی که مدیر داخلی کارخانه بود و چند نفر دیگر که اسامی آنان را فراموش کرده ام به عضویت هیات مدیره سندیکای کارگران کارخانه انتخاب شدند.

سندیکای کارخانه چیت سازی ری از فردای آن روز ساعت کار ۱۰ ساعته را به ۸ ساعت تقلیل داد و برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری برای خاتم های کارگر مهدکودک و شیرخوارگاه ترتیب داد.

این کار از ابتکارات و پیشنهاد های خاتم گیلی پور بود. سندیکا در

گردیدند. مذکرات افسر نامبرده با مسوولین سندیکا در جهت ترک و خاتمه دادن به تحصنه به جایی نرسید. در نتیجه بعداز ظهر روز ۱۳۳۱/۷/۲۳ حمله به کارگران آغاز و پس از مدتی زد و خورد و اجرای تیراندازی هوایی و مضروب شدن عده ای ، کارخانه به تصرف سربازان درآمد.

ناگفته نماند که در این حادثه عده ای از کارگران دستگیر

متحصن بشوند. ناگفته نماند که در این یورش و دفاع عده زیادی از کارگران مصدوم و مجروح شدند. از جمله کارگر مبارز علی منافی در اثر ضربه چماق یکی از او باش به نام غلام توکلی که به سرش وارد آمد چند

روز بعد در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری فوت کرد و پیکرش توسط پلیس به یغما رفت و به خانواده اش تحويل داده نشد. یک

**کارگری یک چشمی ۵۰**  
**شد و اکتیو کارگر دیگر**  
**او باش به کف دستگش از**  
**کار افتاد**

نفر دیگر یک چشمی کور شد و یک نفر هم در اثر ضربه چاقوی یکی از او باش به کف دستگش یکی از انگشتانش از کار افتاد.

یکی از کارمندان حسابداری به نام شایان در اثر ضربه چماق به سرش مدتی بستری و تحت معالجه بود. پاسبان ها در این یورش با شکست مواجه شده و از کارخانه بیرون رانده شده بودند. نیروی ضدکارگری وقت با موافقت صاحب خون آشام کارخانه از نیروی ارتش کمک گرفت و در نتیجه روز بعد یک فوج سرباز به فرماندهی ستوان عزت دفتری با بکارگیری ته تفنگ و سرنیزه قسمتی از کارخانه را اشغال و مستقر

مردان دستگیر شده به زندان قصر و زنان دستگیر شده به زندان زنان منتقل شدند. آن زمان زندان زنان در خیابان آمل چهارراه طالقانی فعلی داخل یک خانه مسکونی که به صورت زندان درآمده بود قرار داشت. چون اطلاع یافتیم که خاتم مهری گیلک پور دستگیر شده چند روز بعد بنا به تصمیم هیات مدیره سندیکا جهت اطلاع از حال ایشان و آگاهی از اینکه چند نفر از بانوان دستگیر شده اند تحت عنوان فامیل ایشان به ملاقاتش رفتم. آن زمان ملاقات زندانی سیاسی به هیچ وجه سخت نبود. نه شناسنامه ای می خواستند و نه سوال

دور غی آنان را از سر خود باز کرد و از پذیرفتن مجدد نماینده کارگران خودداری کرد و دستور داد که دیگر آنان را به وزارت کار راه ندهند. ضمنن چندی بعد که آقای سیاوش اسکندری شوهرخانم گیلک پور را دیدم، پس از اینکه حال خانم گیلک پور را پرسیدم، گفت

که متارکه کردیم.

این مختصراً بود از خاطرات به یاد مانده از فعالیت سندیکایی خانم مهری گیلک پور و برپایی سندیکای کارگران کارخانه چیت سازی ری.

اضافه می گردد چون درب ورودی کارخانه در اشغال نظامی ها بود.

در طول سه شب و سه روز تحصن کارگران کارخانه، توسط کارگران کوره پزخانه ها بقچه های نان از پشت دیوار کارخانه به داخل پرتاب می شد.

پشت دیوار کارخانه به داخل پرتاب

و جوابی، خیلی راحت می شد روزهای ملاقاتی به دیدار زندانی سیاسی رفت. در روز ملاقات مشاهده شد که خانم گیلک پور که در اثر ضربات ته تفگ آسیب مختصراً به او وارد شده و معلوم شد که خانمی به نام مریم خانم هم دستگیر و زندانی است.

بعد از خلاصی از زندان دیگر از ایشان اطلاعی ندارم.

بعد از گشایش کارخانه حدود ۵۰ نفر از کارگران اخراج و از ورود آنان به کارخانه جلوگیری به عمل آمد. تلاش کارگران اخراجی با مراجعه به استانداری، نخست وزیری و وزارت کار، جهت برگشت به کار به جایی نرسید. بطوريکه وزیرکار هم از پذیرفتن نماینده کارگران خودداری می کرد. معاون او هم همان شاپور بختیار ملی نما، کسی می شد.

که در سال ۱۳۵۷ نخست وزیر بی اختیار شد، فقط یک بار نماینده کارگران اخراجی را با بی میلی به حضور پذیرفت و با دادن یک قول

**در طول سه شب و سه روز تحصن  
کارگران کارخانه  
توسط کارگران  
کوره پزخانه ها  
بقچه های نان از پشت  
دیوار کارخانه به  
داخل پرتاب می شد.**

# طرح:

منتظرم -

از کرام -

همایسر فردام را .

خاطر جمعی ؟

چنین شعر

رمایه

از عبیر الله

خدای است

وطن خواه ..

به من

فلزیا ..

من و سکوت و نمایسر رضایت ؟

هیبت !

منتسر شده در ۱۳/۰۲/۱۴۰۵

که گفت : سکوت

ابی دیرگاه

علامت رضایت است ؟

من به سکوت

(سیاست)

وکارم را!

کارگر م.

کزداد من-

در حین کار

مُرد

به تو -

این اولین

سپرده

کم سیاست

حق

من

بود .

تعیین

رنویس

۹۳/۱۱/۲۱

خویش

به تعیین کننده کار

۹۳



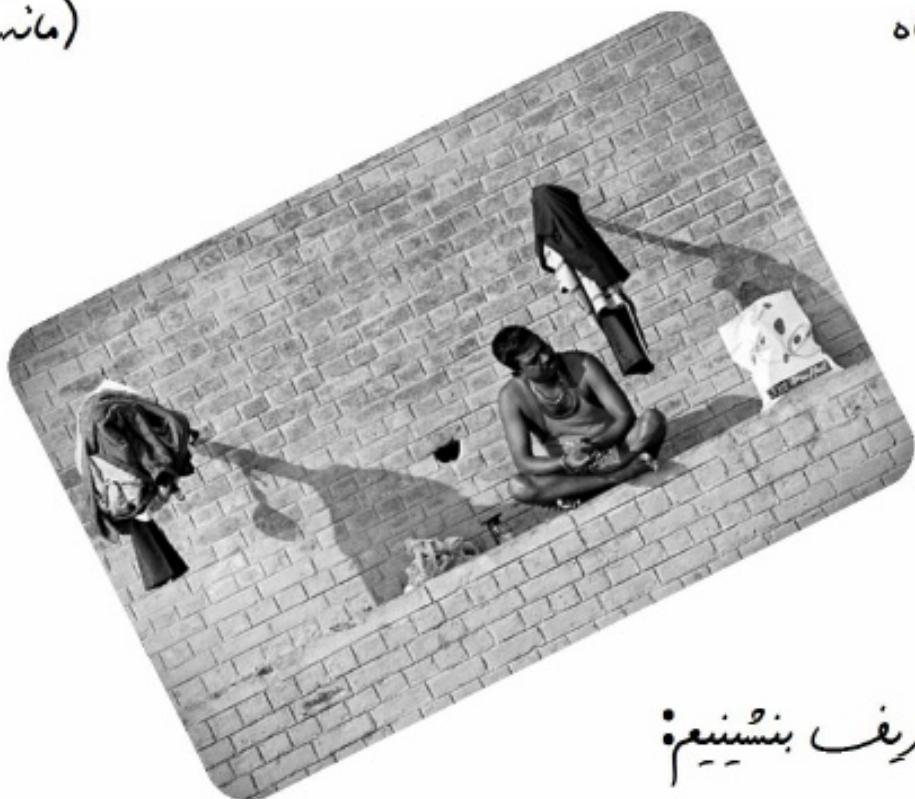
(مانع)

(۵/۵)

معجزه ای

مر خواهد.

۹۳/۱۱/۱۹



تعريف بنسینیم:

من-

معیت را

(بران)

زنگز

نیرو و کرم را

بیشتر انسانست.

فروضتم!

تو

- تو

با دستمزد را

به تعریف منسینیم!

کار را هم،

از من ر بود

۹۳/۱۱



خود فروشنده دم

خواستم -

نیرو کارم را به فروش

کار!

- از

من!

چهار نسخه.

۹۳/۱۱/۲۰

فریبا

با نرخ پنیر و میوه ، نان و سبزی سنجیده و فهمیده می شود. خیلی ساده و به زبان کارگری در دی ماه سال جاری در برخی مناطق تهران و حومه نرخ گوجه فرنگی به هر کیلو ۹۰۰۰ تومان رسید و اینک در آستانه‌ی سال نو گاه تا کیلویی ۵۰۰ تومان می رسد از بابت ارزانی گلایه ای نیست اما این بی ثباتی قیمت سخن از «پیچش مو» در بخش کشاورزی دارد آنجا که هیچ سیاستی برای برنامه ریزی کشت و کشاورزی خرده مالکی نداریم هر کشاورزی ناچار است هر چه دلال‌ها پیش خرید کنند بکارند در برخی مناطق حتی به زور بذری که دلال‌ها به ایشان می دهند را می کارند چون اگر محصول دیگری بکارند محکوم به فنا می شوند دیگر هیچ دلالی خریدار محصول شان نخواهد بود و محصول روی زمین خواهد پوسید. الغرض وقتی نرخ گوجه فرنگی در بازار مصرف به ۵۰۰ تومان در هر کیلو می رسد یعنی روی زمین کشاورزی هر صندوق آن زیر ۱۰۰۰ تومان خریده شده است که با محاسبه آب بهای مصرفی برای تولید

## طعنه تلخ!



# نرخ گوجه فرنگی

## در اقتصاد ما...

روزگاری نه چندان دور پیش از بحران تحريمها و پیش از آن که انرژی هسته‌ای حق مسلم ما به شمار اید یکی از شعار‌های بنیادین دولت مردان هر دوره تاکید براین شعار اساسی بود که «کشاورزی محور توسعه و استقلال» کشور است. دلار، یورو، طلا، زمین و مسکن شاخص‌های اقتصادی هستند که بر مبنای آنها کشورها به تجارت می پردازند در داخل کشور اما اقتصاد در کف بازار و به زبان خودمانی مردم

گردد تا فاجعه نوسان  
نرخ گوجه  
فرنگی دیگر  
زندگی کشت  
گران را  
آشته نسازد،  
مقایسه تاریخچه  
تولید گلخانه ای  
بین ایران و ترکیه  
نشان می دهد در  
ایران حوالی  
سالهای ۱۳۳۰ تا  
۱۳۴۰ نخستین  
گلخانه ها در ایران بنا  
شدند و به بهره وری  
رسیدند از آن تاریخ تا  
کنون به زحمت به فضای  
۱۵۰۰ هکتار زیر کشت  
گلخانه ای رسیده ایم در  
حالیکه این داستان در ترکیه  
به گونه ای دیگر است ، فن  
آوری کشت گلخانه ای در  
سالهای ۱۳۵۰ و بعد از آن به ترکیه  
وارد شد اما اکنون باسطح زیر کشتی  
بیش از ۱۰۰،۰۰۰ هکتار کشت گل  
خانه ای در عمل ترکیه رابه باغچه  
سبزی و میوه اروپا و حتی گل های

به علاوه نهاده های کشاورزی چون  
کود و سوموم شیمیایی و مزد  
کارگری کشاورز برای فروش  
محصول سر زمین به فلاکت می  
افتد.

پس از یک فصل کار و تلاش  
روی زمین در سرما و گرما  
دست مریزادی از این دست  
به نابودی و نومیدی  
کشاورزان و تولید کنندگان  
این بخش که گفته می شد  
محور استقلال سیاسی و  
اقتصادی میهن مان  
خواهد بود انجامیده  
است.

شاید اگر نفت و  
صادرات نفتی نمی  
بود ایران به  
کشاورزی به  
چشم دیگری می  
نگریست اما...

اینک گوجه فرنگی با  
دشواری های خاص خودش در  
گلخانه ها به عمل می آید در حالی که  
هیچ برنامه ای از سوی وزارت جهاد  
کشاورزی برای جهت بخشیدن به  
کشت و تولید گلخانه ها ارائه نمی

حرفی برای گفتن در بازار ندارد » و از آنجا که منزل بسیاری از کارگران و کشاورزان دور از میدان تره بار نارمک واقع شده که منزل ریس جمهوری پیشین گویا حوالی آن باید باشد، بنابراین در این نوسان

عجیب قیمت کار ارزیابی و تعیین شاخص های اقتصادی به دشواری هرچه تمامتر انجام می گیرد.

روابط عمومی سندیکای فلزکار

مکانیک

۱۳۹۳/۱۲/۰۹



بوته ای و شاخه بریده بدل ساخته است از این رو شاید اگر نفت نمی بود و وابستگی بیش از ۹۵٪ اقتصاد به آن تعریف نمی شد ناچار به کشاورزی بهای بیشتری داده میشد.

اما در عمل بودجه بخش کشاورزی صرف صنایع از جمله صنعت رو به فناخودرو سازی با فن اوری پسمند اروپایی) و از همه پس مانده تر فرانسوی (روی آورده ایم.

آنچه بر سر گوجه فرنگی می آید همان تراژدی سیب، پرتقال، سیب زمینی، گندم و... همه محصولات کشاورزی است که بی رویه تولید می شوند و بی بهای فروش می روند.

به قول یک کارگر بی سواد منطقه جوشقان کاشان در سال ۸۶: «ملکتی که نیمی از سال سیخ گوجه اش از سیخ کباب گرانتر باشد

کاری کارگران می باشد، تصمیم به سازمان دهی اعتصاب بر پایه آرای کارگران فلزکار در کارگاه های صنعتی کشور گرفت.

دولت اردوغان با تصمیم های خود ترکیه را به جهنمی برای کارگران و زحمتکشان ترکیه تبدیل کرده است. تصمیم دولت ترکیه غیرقانونی و در نقض قوانین جاری کشور می باشد. اعتصاب کارگران فلزکار آنگونه که دولت اردوغان مدعی است، امنیت ملی را به خطر نمی اندازد. آنچه که با اعتصاب قانونی فلزکاران ترکیه به خطر افتاده است و دولت اردوغان به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب می کند، در حقیقت منافع سرمایه داران می باشد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تصمیم دولت اردوغان را قویا محکوم می کند و حمایت خود را از سندیکای متعدد کارگران فلزکار ترکیه اعلام می کند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۱۳۹۳/۱۱/۱۱

## حمایت سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران از اعتصاب

### کارگران فلزکار ترکیه

اعتصاب ۱۵۰۰۰ کارگر فلزکار در بیش از ۲۰ کارخانه در ۱۰ شهر ترکیه که از صبح روز جمعه ۱۰ بهمن ماه در اعتراض به اجحاف های اعمال شده از سوی اتحادیه کارفرمایان کارگاه های فلزکاری ترکیه آغاز شده بود، در عصر روز جمعه با تصمیم دولت اسلام گرای پرزیدنت رجب طیب اردوغان ملغی اعلام شد.

دولت در عصر روز جمعه مدعی شد که از آنجا که اقدام فلزکاران امنیت ملی را به خطر نمی اندازد، اعتصاب کارگران برای ۶۰ روز به تعویق افتاده است.

سندیکای متعدد کارگران فلزکار ترکیه در اعتراض به عملکرد سندیکای وابسته به دولت و اتحادیه کارفرمایان کارگاه های فلزکاری در تحملی قراردادهای دسته جمعی که در تضاد آشکار با حقوق و شرایط

دولت اردوغان با تصمیم های خود ترکیه را به جهنمی برای کارگران و زحمت کشان ترکیه تبدیل کرده است.

تصمیم دولت ترکیه غیرقانونی و در نقض قوانین جاری کشور می باشد اعتصاب کارگران فلزکار آنچونه که دولت اردوغان مدعی

## اعتصاب کارگران فلزکار

### ترکیه

اعتصاب ۱۵۰۰۰ کارگر فلزکار در بیش از ۲۰ کارخانه در

۱۰ شهر ترکیه که از صبح روز جمعه ۱۰ بهمن ماه در اعتراض به

کارکردهای زور گویانه

اتحادیه کارفرمایان کارگاه های فلزکاری ترکیه آغاز شده بود در عصر روز جمعه با تصمیم دولت اسلام گرای پرزیدنت رجب طیب اردوغان ملغی اعلام شد دولت در عصر روز جمعه مدعی شد که از آنجا که اقدام فلزکاران امنیت ملی را به خطر می اندازد اعتصاب کارگران برای ۶۰ روز به تعویق افتاده است.

سندیکای متعدد کارگران فلزکار ترکیه در اعتراض به عملکرد سندیکای وابسته به دولت و اتحادیه کارفرمایان کارگاه های فلزکاری در تحمیل قراردادهای دسته جمعی کاری کارگران می باشد، تصمیم به سازمان دهی اعتصاب بر پایه آرای کارگران فلزکار در کارگاه های صنعتی کشور گرفت.



است امنیت ملی را

به خطر نمی اندازد. آنچه که با اعتصاب قانونی فلزکاران ترکیه به خطر افتاده است و دولت اردوغان به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب می کند در حقیقت منافع سرمایه داران می باشد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تصمیم دولت اردوغان را قویا محکوم می کند و حمایت خود را از سندیکای متعدد کارگران فلزکار ترکیه اعلام می کند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

۱۳۹۳/۱۱/۱۱

**صنفی در سندیکاهای کارگری**  
علیه این بی عدالتی می کرد.  
در این روز کارگران نساجی زن در  
یک کارخانه بزرگ پوشش برای  
اعتراض علیه شرایط بسیار سخت  
کاری و وضعیت اقتصادیشان دست  
به اعتضاب زدند.

خاطره این اعتضاب در یاد کارگران  
نساجی باقی ماند. نارضایتی عمومی  
از این شرایط برای زنان کارگر ادامه  
داشت تا در هشتم مارس  
سال ۱۹۰۸، بعد از گذشت بیش از  
پنجاه سال کارگران زن کارخانه  
نساجی کتان در شهر نیویورک با یاد  
آوری اعتضاب در این روز، به دلیل  
تبغیض و محرومیت و فشار زیاد کار  
در مقابل حقوق بسیار کم گروهی  
دست از کار کشیدند.

**صاحب این**  
کارخانه به همراه  
نگهبانان برای  
جلوگیری از  
همبس‌تگی  
کارگران دیگر

بخش‌ها با این اعتضاب و سرایت  
آن به بخش‌های دیگر این زنان را  
در محل کار خود در کارخانه  
محبوس کرد.

به دلایل ناشناخته‌ای آتش در  
کارخانه درمی‌گیرد و فقط تعداد کمی  
از کارگران زن محبوس نجات می

# مارس

INTERNATIONAL  
WOMEN'S DAY 2015

Women Making Things Happen

## روز بیداری وجودان تاریخ

تاریخ روز جهانی زن هم معنی با  
تاریخ مبارزه سیاسی و اجتماعی  
علیه تبعیض است.

این روز روز هم بستگی برای  
مبازه در راه برابری حقوق و  
شرایط بهتر کاری و زندگی زنان  
است. انتخاب تاریخ روز

هشتم ماه مارس به  
عنوان روز جهانی زن  
به خاطره مبارزه زنان  
کارگر نساجی در  
سال ۱۸۵۷ در شهر

نیویورک امریکا بر می  
گردد. شرایط کاری سخت و غیر  
انسانی و دستمزد کم کارگران زن که  
در اوآخر قرن نوزدهم و اوایل قرن  
بیستم همراه با مردان در کشورهای  
صنعتی وارد بازار کار شده بودند،  
آن را وادار به اعتراض و مبارزه

اگر شغلی برای زنان بسیار  
خطرناک است برای مردان  
هم همین گونه است

یابند ، ۱۲۹ کارگر زن دیگر در آتش روز هشتم ماه مارس به عنوان روز زن و برای دفاع از حقوق آنان در مقابل تبعیض‌های گوناگون و چند سوختند.

روز هشتم ماه مارس بر پایه سنت مبارزه کارگران زن علیه شرایط جانبیه برگزیده شد.

خواست های اساسی زنان عبارتند از:

- تعیین حداقل مزد
- کاهش ساعت کار
- حمایت از مادر و کودک
- پایین آوردن قیمت اجناس
- هشت ساعت کار در روز
- قوانین حمایتی کار برای زنان
- حق رای و شرکت در انتخابات

خواست هایی که هنوز همچنان

خواسته می شوند و برای

امروز ما هم

بیگانه نیستند، از

تاریخ برگزاری

اولین روز

زن ۱۰۰ سال می گذرد

اما هنوز هم دلایل زیادی

وجود دارد که به عنوان زن

و یا مدافع حقوق زنان در این

روز از خواست های اولیه آنان در

سراسر جهان به پشتیبانی برخیزیم.

سخت کاریشان در خاطره ها ماند، در سال های بعد در کشورهای مختلف اروپایی و امریکا مبارزه زنان به شکل تظاهرات و اعتراض کاری علیه فشار، تبعیض و استثمار کاری و همین طور برای داشتن برابری حقوق در اجتماع و علیه جنگ ادامه پیدا کرد. از جمله یکی از مهمترین مدافعان حقوق زنان در کشور آلمان خانم کلارا زت کین (۱۹۳۳-)



۱۸۵۷) خواست زنان

مبارز آلمانی را مبنی بر

هشت ساعت کار در روز برای

زنان همین طور حق داشتن تعطیلات

و مرخصی زایمان و برابری حقوق

در مقابل قانون مطرح کرد.

به پیشنهاد کلارا زتکین

در ۲۷ اگوست سال ۱۹۱۰ در کینهاك

آنچه ما را وامی دارد چه در معادن بافق ، پتروشیمی ها ، شرکت اتوبوسرانی واحد، کارخانه های خودرو سازی ، دارو سازی ، مدارس و بیمارستانها در کنار همسران و برادران زحمتکش مان ایستادگی کنیم ، مبارزه برای ساختن جامعه ای انسانی برای فرزندانمان است.

باید همه ، چه مرد و چه زن از دستمزدی برابر در مقابل کار یکسان برخوردار باشیم و این دستمزد زندگی انسانی برای ما مهیا کند. دستمزد بهتر برای زنان به معنای درآمد بیشتر برای کل خانواده است. اگر شغلی برای زنان خطرناک است ، برای مردان هم همین گونه است. محیط کاری فارغ از آزار و اذیت و ارتعاب مطلوب مردان و زنان کارگر است .

شرایط مطلوب تر در محیط هایی که زنان کارمی کنند به معنای این است که مردان کارگر هم می توانند این شرایط را خواستار شوند.

در شرایطی که زنان و مردان کارگر و کارمند شغل خود را از دست می دهند ، با تفاهم و همبستگی می توان در دشوار ترین زمان ها هم مبارزه ای را سازمان داد و پیشرفت کرد. حضور زنان در پهنه مبارزات اجتماعی بخصوص در رهبری سندیکاهای کارگری و پذیرش

## روز جهانی زن گرامی باد!

روز جهانی زن ( ۱۷ اسفند ) یادآور زندگی سراسر مبارزه زنان هم دوش مردان برای ساختن جامعه ای انسانی و بدون تبعیض و جنگ است.

ما زنان سراسر جهان در همه لحظات پرمخاطره زندگی امان در کنار همسران زحمتکش مان، ستم دیده و برای رهایی از استبداد و سیستم سرمایه داری رزمیده ایم.

زن زحمت کش اولین کسی است که سفره بی نان خانواده اش را می بیند و رنج می کشد. اوست که باید با دستمزد ناچیز خودش و همسرش خانواده ای را سیر کند و بالیدن بی رمق فرزندان را در هیکل نحیف شان ببیند .

ما زنان نه تنها در کنار همسران اعتصابی ، حقوق عقب افتاده، و اخراجی امان ایستاده ایم ، بلکه در این شرایط دشواربه همسران خود نوید روزهای خوش و پیروزی را می دهیم. هر چند که در سیستم نابرابر کنونی دستیابی به پیروزی و روزهای خوش بسیار دشوار است ، اما حتمی است.

باشد. این اعتقاد ماست و برای آن می کوشیم.

ما این روز را به زنان خانه دار،  
زنان سرپرست خانوار،  
زنان کارگر کارخانه  
ها و کارگاهها، زنان  
کارمند،  
آموزگاران،  
پرستاران، زنان  
نویسنده و  
هنرمند ،  
دختران جوان  
فروشنده،  
دختران قالی  
باف، دختران  
خردسال فال فروش و  
گل فروش داخل مترو و  
خیابانها، زنان و دخترانی که به  
دلیل فقر تن فروشی می کنند، و همه  
کسانی که برای بھبودی وضعیت زنان  
و جامعه ای بهتر لحظه ای کوشیده  
اند، رنج برده اند، شکنجه و زندانی  
گشته اند و در این راه مرگ را پذیرا  
شده اند، تبریک گفته و پیمان می  
بندیم که برای فردایی بهتر برای زنان  
و مردان بکوشیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیکی  
سندیکای کارگران نقاش استان البرز

۱۳۹۳/۱۲/۱۶

مسؤولیت به معنای اقبال زنان کارگر از سندیکاهای و دیگر تشکل های صنفی است و این به معنای اعضای بیشتری برای سندیکاهای و تشکل های صنفی و مدنی بوده و قدرتمندی هرچه بیشتر این تشکلها و سندیکاهای و جنبش کارگری و اجتماعی است. تبعیض و خشونت علیه زنان ، ابزاری برای سلطه هرچه بیشتر سیستم سرمایه داری است که همه زنان با آن مخالفند.

برادران ! دختران و پسرانی که در خیابان ها گل می فروشنند و گل زندگی اشان پرپر می شود، همگی فرزندان و آینده این مرز و بوم هستند. باید دست درست هم برای تغییر این شرایط غیر انسانی مبارزه کنیم. برابری، آزادی، عدالت، همبستگی، و صلح شعار همیشگی جنبش زنان بوده و هست. بدون زنان، هیچ جنبش فراگیر واقعی نمی تواند وجود داشته



روز کاری خود را در شهرداری بغداد  
آغاز خواهد کرد.

علوش دارای مدرک دکترای مهندسی  
راه و ساختمان است که پیش از

## اولین شهردار

زن

شهر

بغداد

به گزارش  
خبرگزاری ابنا،  
شهر بغداد برای  
اولین بار توسط یک  
شهردار زن اداره  
خواهد شد.

سخنگوی دفتر  
«حیدر العبادی»،  
نخست وزیر عراق  
اعلام کرد که طی  
حکمی «نعم  
بعوب» از ریاست  
شهرداری بغداد برکنار و «ذکری  
محمد علوش» به جای وی تعیین  
شده است.

ذکری محمد علوش در اولین بیانیه  
خود گفت، یکشنبه ۲۲ فوریه، اولین



احراز پست جدید، رئیس پروژه‌های  
ساختمانی وزارت علوم عالی عراق  
بود.

کاهش قدرت خرید و سقوط سطح زندگی میلیون‌ها کارگر و بویژه زنان کارگر گردیده. علاوه بر این‌ها زنان کارگر خصوصاً زنان شاغل در صنوف با رواج قراردادهای موقت و خروج کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار امنیت شغلی خود را از دست داده و شمار بزرگی از زنان کارگر با سوابق کاری مختلف به صفت عظیم بی کاران رانده شده‌اند. به جرات می‌توان تأکید داشت اجرای برنامه‌هایی که از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به دولت‌های جمهوری اسلامی توصیه و دیکته شده، بیشترین آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار همانند بیکاری، کاهش دستمزد، انواع تبعیض‌های جنسیتی و شغلی را به زنان کارگر و خانواده‌هایشان وارد ساخته است. لایحه اصلاحیه قانون کار که به سود سرمایه‌داران و کارفرمایان تهیه شده، نمونه‌ای از پایمال شدن حقوق تمامی کارگران

# زنان کارگر؟

**کار = مردان**



**مزد  
نامساوی مردان**

طی چند سال اخیر و با اجرای برنامه‌هایی مانند قانون هدفمندی یارانه‌ها، وضعیت زنان کارگر نسبت به گذشته با وحامت بیشتری روبرو شده است. تورم افسار گسیخته سبب

ایران بویژه زنان کارگر تلقی می تبعیض جنسیتی بر این موضوع ور اتفاق نظر دارند که در اغلب واحدهای تولیدی - صنعتی و خدماتی جدی سراسر کشور خصوصاً صنوف مختلف، دستمزدی که زنان کارگر



مردان دریافت می کنند حتی کاف زندگی چند روزه یک خانواده چهار نفره را نمی دهد. میزان دستمزد زنان نه بر نیز پایه شایستگی های شغلی آنان، سوابق و تجربه هایشان، بلکه کاملاً تبعیض آمیز و برخلاف حتی قوانین موجود تعیین و پرداخت می گردد. گزارش های بسیاری حاکی از آنست

یکی از عرصه های فعالیت سندیکاهای کارگری مستقل حمایت و طرح خواست های بدیهی زنان کارگر است. از جمله این خواست ها که فوریت و اولویت آن بر کسی پوشیده نیست، دریافت مزد مساوی در برابر کار مساوی باشد. زنان کارگر، فعالین سندیکایی و نهادها و سازمان های خواه مدافعان زنان و رفع

بماند و کارفرما حق اخراج او را نداشته باشد" و نیز "حق انتخاب پوشش و آزادی آن برای زنان کارگر" طرح و بر محور آن فعالیت سندیکایی برنامه‌ریزی شده‌ای را به پیش برد.

زنان کارگر بخش جدایی ناپذیر طبقه کارگر ایران به شمار می‌آیند و در مبارزه

که کارفرمایان با تحمیل قراردادهای موقت (این قراردادها در برخی مواقع فقط شامل چند روز می‌شود) مانع از برخورداری زنان کارگر از حقوقی مانند حق بیمه، حق اولاد، حق مسکن و بازنشستگی می‌شوند.

جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان ایران وظیفه دارد مطالبه‌ها و خواسته‌های زنان کارگر را طرح و برای تحقق آنها در

<http://sfelezkar.com>

برای تماس با ما :

کارگران می‌توانند با

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

و همچنین برای تماس با نشریه انگلیسی

زبان مستجر

پیام سندیکای انگلیسی و فیسبوک ما با آدرس های زیر تماس داشته باشند.

پیام سندیکای انگلیسی (یوتیون مستجر):

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

فیسبوک رسمی سندیکا :

[www.facebook.com/Metalworker](http://www.facebook.com/Metalworker)

چارچوب

منافع صنفی

— طبقاتی

کارگران اقدام و مبارزه کنند.

ضرور است خواسته‌هایی چون، "زنان کارگر، در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند" و " محل شغلی زنان کارگر در دوران استراحت قبل و بعد از زایمان محفوظ

برای احیای حقوق سندیکایی و حق برپایی سندیکا و تامین منافع کارگران نقش موثری بر عهده دارند.

پیام سندیکا نشریه سندیکاهای کارگری ایران



کارگردانی / شیخ زین - تهران

# سینما میراث

تئاتر و سینما  
روز جهانی ۳۰ نوامبر

